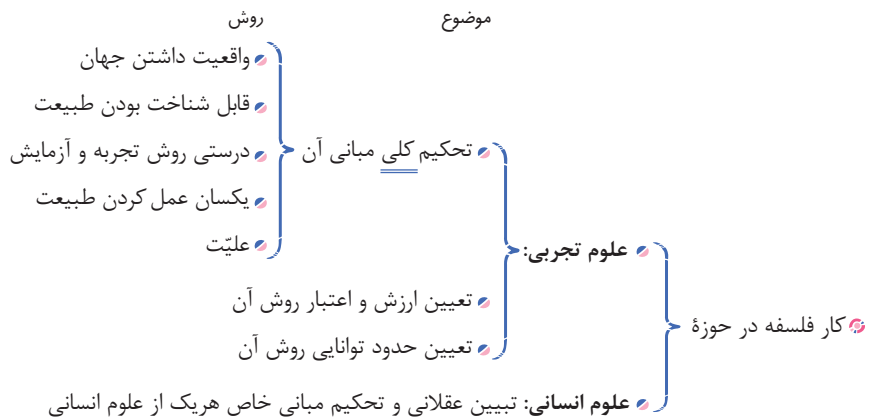


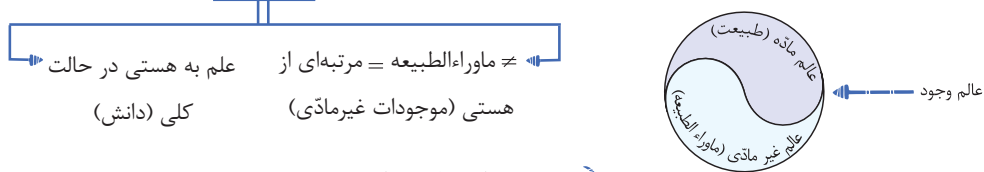


❁ فلسفه می‌کوشد تا کلی‌ترین اموری را که انسان با آن‌ها روبه‌رو است تبیین عقلانی کند.



### مابعدالطبیعه

قلمرو اصلی فلسفه، پهنه بی‌پایان هستی (مجموع هستی) پس فلسفه، علم هستی‌شناسی است پس به آن مابعدالطبیعه می‌گویند.



❁ علوم گوناگون هر یک به مطالعه چهره‌ای خاص از پدیده‌ها می‌پردازند. مثلاً

فیزیک: خواص ظاهری اشیاء

زمین‌شناسی: عوارض زمین

زیست‌شناسی: حیات موجودات

خصوصیت معین

❁ اما فلسفه (مابعدالطبیعه / متافیزیک) به شناخت اشیاء فقط و فقط از جهت بودن آن‌ها می‌پردازد. می‌خواهد احکام و قواعد اشیاء را از آن جهت که هستند (وجود دارند) بررسی کند.

با بود و نبود اشیاء سروکار دارد.

پس: موضوع فلسفه وجود بدون قید و شرط است و وجود، مدار و محور اصلی همه بحث‌های فلسفه است (نه تنها بحث آن!!!)

مطلق وجود



❖ علوم گوناگون برای مطالعهٔ **چهره‌های ظاهری** (محسوس و گوناگون) اشیاء از روش **تجربه و آزمایش** استفاده می‌کنند. اما قلمرو مابعدالطبیعه، **مجموع هستی** است و هر جا موجودی وجود داشته باشد (چه در طبیعت چه در ماوراءطبیعت) حاضر است.

❖ فلسفه در شناخت اشیاء تا آنجا ریشه‌یابی می‌کند که به **وجود محض** (واقعیت) برسد. [یعنی نگاهی ریشه‌یاب دارد].

برای این کار نمی‌تواند از روش تجربی استفاده کند چون این روش سطحی است و به ناچار برای این تعمق باید از **روش عقلانی و برهانی** استفاده کند تا بتواند به هدفش (شناخت کل جهان هستی) برسد.

خواص و چهره‌های ظاهری اشیاء ————— وجود محض هر شیء ————— کل هستی (مطلق وجود)

فیلسوف از این حیث شبیه خوانندهٔ یک کتاب است؛ چون او هم از وراء کلمات و جملات درصدد یافتن معنای آن‌ها و در نهایت درصدد یافتن معنای کل کتاب است.

جملات و کلمات ————— معنای جملات و کلمات ————— معنای کل کتاب

جهان هستی = کتاب  
فیلسوف = خوانندهٔ کتاب  
موجودات و خواص ظاهری آن‌ها = جملات و کلمات  
هستی موجودات = معنای جملات و کلمات

### هدف مابعدالطبیعه

❖ مباحث وجود در فلسفه به قصد شناخت **کل هستی** (مطلق وجود) است.

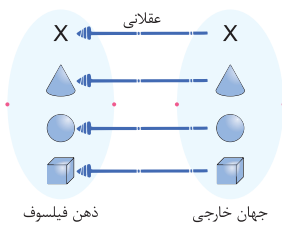
❖ هدف فیلسوف این است که تصویری **جامع و صحیح** از جهان هستی به دست آورد.

کل هستی را بشناسد ————— به شیوهٔ عقلانی بشناسد

❖ فلسفه می‌خواهد با یک **دید کلی** (عقلانی) از ورای همهٔ موجودات (وجود محض اشیاء) به **کل هستی** نظر کند.

### نکته مفهومی

هدف فیلسوف با هدف فلسفه اشتباه نشه.



❖ باتوجه به همهٔ مطالب فوق، فلسفه با عبارت زیر تعریف می‌شود:

فلسفه **سیر و حرکت** انسان است، به‌صورتی که جهانی شود **عقلانی** درست مشابه و نظیر جهان عینی.

ذهنی ————— تغییر

❖ این یعنی **قراره ذهن فیلسوف** یک کپی برابر اصل از جهان خارجی بشه (دید کلی - کل هستی).

### نکته مفهومی

این عبارت، هم تعریف فلسفه است هم بیان‌کنندهٔ هدف فلسفه که بهش می‌گیم **تعریف به هدف**.

هر آن‌کو ز دانش برد توشه‌ای ————— جهانی است بنشسته در گوشه‌ای  
هرکس که در فلسفه به کمال برسد ————— جهانی است مطابق ————— اما عقلانی و ذهنی جهان خارجی



❖ اگر همه چیز عادی باشد و از پشت **حجاب عادت** به زندگی نگاه کنیم همه چیز به نظر ما **طبیعی** خواهد آمد.

اما هر **عاملی** - هرچند موقتی - ما را از این اشتغالات روزمره باز دارد (حجاب عادت را کنار بزند)، ما را دچار بهت و حیرت می‌کند

حیرت در برابر هستی }  
حیرت در برابر زندگی }

که انسان در این لحظات در **آستانهٔ تفکر فلسفی** قرار دارد.

افلاطون: فلسفه منحصرأ با حیرت در برابر هستی آغاز می‌شود.

یعنی اگر حیرت (سؤال) در انسان وجود نداشته باشد، فلسفه به درد نمی‌خورد.

## فطرت اول و فطرت ثانی

در فلسفه سال سوم از ارسطو خواندیم: **اعجاب و حیرت** است که نخستین اندیشمندان و هم‌چنین مردم امروز را به **بحث‌های فلسفی** کشانیده است؛ یسا ملاصدرا در کتاب مبدا و معاد از ارسطو نقل می‌کند: **طلب فلسفه** در **گرو عبور از فطرت اول به فطرت ثانی** است و بدون آن، فلسفه بی‌معنا و بی‌فایده به نظر می‌رسد.

### نکته مفهومی

عبور از فطرت اول به فطرت ثانی = بهت و حیرت

مقصود فلاسفه از **فطرت اول**، **حالت عادی** ما در برخورد و تماس با امور و مسائل **زندگی هر روزه** است که انسان‌ها در **غالب اوقات عمر** توجه‌شان به همین امور است. عقل معاش فطرت اول

- |   |   |
|---|---|
| کجا به <b>کوی طریقت</b> گذر توانی کرد؟<br>(۲) | فطرت اول تو <b>کز سرای طبیعت</b> نمی‌روی بیرون<br>(۱)         |
| <b>غبار ره</b> بنشان تا نظر توانی کرد<br>(۱)  | فطرت ثانی <b>جمال یار</b> ندارد <b>نقاب و پرده</b> ولی<br>(۲) |

- (۱) فراغت از عقل معاش (توجه به عقل معاد)
- (۱) لازمه رسیدن به آن
- (۱) به ظاهر سودی دربرندارند.  
(۲) بنابر مصالح عادی زندگی مطرح نشده‌اند.  
(۳) هم‌ارزش با وجود انسان هستند.  
(۴) اقتضای ذات بشرند.  
(۵) برخاسته از بیماری یا جنون و شکم سیری نیستند (برخلاف نظر ظاهر بینان).
- (۲) انسان را ناگهان به حیرت و شگفتی دچار می‌کند.  
(۳) همان تفکر است.  
(۴) انسان را به پرسش درباره **حقیقت وجود** برمی‌انگیزد.  
(۵) باعث می‌شود انسان از روابط و مناسبات زندگی روزمره (فطرت اول) بگسلد.  
(۶) انسان را به سوی درک و دریافت **حقیقت اشیاء** و راز هستی روانه می‌کند.  
(۷) انسان را به گوهر وجود خویش نزدیک می‌کند.
- فطرت ثانی

### نکته مفهومی

نکات فطرت ثانی را با ویژگی‌های پرسش‌های فطرت ثانی اشتباه نگیر.

عجز از ادراک <b>ماهیت</b> عمو ادراک <b>حقیقت</b> اشیاء	حالت <b>عامه</b> بود مطلق مگو فطرت اول
زان که <b>ماهیات</b> و <b>سرّ سرّشان</b> حقیقت اشیاء و راز هستی	پیش چشم <b>کاملان</b> باشد عیان فطرت ثانی

## دین و فلسفه

انتظار دستگیری و ارشاد و راهنمایی از دین برای مسائلی که در **فطرت ثانی** مطرح است بی‌جهت و بی‌جا نیست و البته دین هم به همین کار پرداخته است و به سؤالات فطرت ثانی پاسخ داده است. با این تفاسیر آیا به فلسفه نیاز هست؟ و یا اینکه پاسخ‌های دین و فلسفه با هم در تضادند به دلیل اینکه منشاء متفاوت دارند [یکی وحی الهی و دیگری عقل بشری].



نام احمد نام جمله انبیاءست چون که صد آمد نود هم پیش ماست  
دین فلسفه

[اشاره به نفی نیاز به فلسفه با وجود آموزه‌های دینی]

در معارف وحی (متون اسلامی / آیات و روایات / کتاب و سنت) مطالب بسیاری درباره حقیقت و احوال وجود (به‌طور مستقیم و غیرمستقیم) وجود دارد که درباره این‌ها باید به دو مطلب توجه کرد: ۱) ماهیت فلسفی دین، ۲) دعوت به تفکر (عقلانی) از سوی دین

### ماهیت فلسفی (دین)

یک مطلب اگر با زبان‌های مختلف (اصطلاحات مختلف) بیان شود، محتوایش تغییر نخواهد کرد. از این نکته نتیجه می‌گیریم که:

طرح مباحث وجودشناسی در معارف الهی (دین) ماهیت آن‌ها را تغییر نمی‌دهد؛ بلکه نشان می‌دهد دین، محتوایی فلسفی دارد و مواضع نظری دین را درباره جهان هستی بیان می‌کند.

لذا: بحث درباره وجود هر جا و به هر زبانی که باشد به قلمرو فلسفه تعلق دارد و می‌توان آن را به شیوه فلسفی (تبیین عقلانی) مطالعه کرد.

برای نمونه به مطالب فلسفی که به زبان شعر بیان شده‌اند دقت کنید:

۱) حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد  
این همه نقش در آینه اوهام افتاد  
این همه عکس می و نقش نگارین که نمود  
یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد

حافظ در این شعر همان نظریه «حقیقت واحد» سهروردی را بیان می‌کند. البته این شعر یادآور نظریه مثل افلاطون نیز هست.

۲) حمد بی حد را سزد ذاتی که بی‌همتاستی  
واحد یکتاستی هم خالق اشیاستی  
منقطع گردد اگر فیضش دمی از کائنات  
هستی از ذرات عالم در زمان برخاستی  
نسبت واجب به موجودات چون شمس است و ضوء  
نی به مانند بنا و نسبت بتاستی

قآنی در این شعر به مسئله علیّت و رابطه خدا با جهان می‌پردازد و معتقد است که خدا، هم علت ایجاد جهان هستی است و هم علت بقای آن، نه فقط علت ایجاد. همان‌طور که می‌دانیم مسئله علیّت یکی از مسائل مهم مابعدالطبیعه است که در این‌جا به زبان شعر بیان شده است.

### نکته مفهومی

هر جا «فیض» دیدی، منظور «وجود» است.

معانی فلسفی در کتاب و سنت به بیان دینی و قالب کلام خدا و پیشوایان دین به‌طور فراوان ابراز شده است که این فراوانی، انسان را به تعمق و تدبیر در آن‌ها وامی‌دارد. علت معلول معانی فلسفی در دین

برای نمونه به چند آیه و روایت اشاره می‌کنیم که در آن‌ها مباحث وجودشناسی (فلسفی) مطرح شده است:

آیه	موضوعات فلسفی
۱) ﴿سُئِرِیْهِمْ آیَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَ فِی انْفُسِهِمْ حَتّٰی یَتَّبِعِیْنَ لَهُمْ اَنْهَ الْحَقِّ﴾ (فصلت، ۵۳)	۱ آفاق: جهان، ۲ انفس: انسان‌ها، ۳ یتبیین: تبیین عقلانی، ۴ حق: حقیقت
۲) ﴿وَ لِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَاَیْمُنَا تَوَلَّوْا فَمَنْ وَجَّهَ لِلّٰهِ﴾ (بقره، ۱۱۵)	۱ مشرق و مغرب: جهان هستی، ۲ الله: خدا (از جهت وجود داشتن)
۳) ﴿وَ اِنْ مِنْ شَیْءٍ اَلْعٰدِنٰتِ خٰزِنٰتِهٖ وَ مَا نَنْزَلْهُ اِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُوْمٍ﴾ (مهم، ۲۱)	۱ شیء: موجود، ۲ خزائن: گنجینه‌ها، اصل‌ها (یادآور نظریه مثل افلاطون)، ۳ نازل: مراتب هستی و فرآیند وجود بخشی (صدور)
۴) ﴿هُوَ الْاَوَّلُ وَ الْاٰخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ﴾ (معد، ۳)	۱ اول و آخر: جهان هستی، ۲ ظاهر: خواص ظاهری اشیاء، ۳ باطن: وجود محض و حقیقت نادیدنی، ۴ کل شیء: کل هستی.
۵) ﴿قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اللّٰهُ الصَّمَدُ﴾ (توهد، ۱ و ۲)	۱ الله: خدا (از جهت وجود داشتن)، ۲ احد: وحدت و کثرت

۶ در حدیث است که از امام سجاد (ع) درباره توحید پرسیدند و ایشان فرمودند: خداوند می‌دانست در آخر الزمان گروه‌هایی ژرفاندیش خواهند آمد، از این رو **سوره توحید و آیات اول سوره حدید را فرستاد و هر کس غیر از این‌ها بگوید، هلاک شده است.**

هر کس به غیر از این‌ها معتقد باشد (هر کس توحید را قبول نداشته باشد (موحد نباشد))  
[این حدیث باعث خوشحالی و شغف ملاصدرا شده؛ زیرا قبل از اینکه این حدیث را ببیند تفسیر قرآنش را با آیات اول سوره حدید آغاز کرده بود.]

### نکته مفهومی

مطالعات فلسفی و عرفانی نشان می‌دهد که آیات اول سوره حدید و سوره توحید، عالی‌ترین مرتبه توحید و معرفت (شناخت خدا) هستند.

در نهج‌البلاغه و آثار منقول دیگر از حضرت علی (ع)، حدود چهل نوبت به مسائل مابعدالطبیعی (فلسفی) پرداخته شده است؛ به عنوان نمونه:  
۷ حضرت علی (ع) درباره فرشتگان و ملائک معتقدند:

نظریات فلسفی	حدیث
علت‌های چهارگانه ارسطو	۱ موجودات کاملی هستند (ماده و قوه ندارند) چون مجزّدند. فعالیت تمام دارند. در نهایت کمال ممکن‌اند.
نظریه اشراق سهروردی	۲ خدا بر آن‌ها تجلی کرد — نورانی شدند.
علت‌های چهارگانه	۳ فیوضاتش را بر آن‌ها افاضه نمود (به آن‌ها وجود داد) — به کمال ممکن رسیدند.
مراتب هستی	۲ و ۳ نمونه بارز خلقت شدند. واسطه فیض آفرینش شدند.

۸ حضرت زهرا (س) در آغاز خطبه‌ای معروف فرمودند:

خدایی که دیدگان او را دیدن نتوانند و گمان‌ها چونی و چگونگی او را ندانند، همه چیز را از هیچ پدید آورد و بی‌هیچ نمونه‌ای انشاء کرد، نه به آفرینش آن‌ها نیازی چون ماده ندارد، دیدنی نیست  
ماهیت خلقت از عدم (exnihilo) صورت (علت صوری)

داشت و نه از خلقت سودی برداشت، جز آنکه خواست تا قدرتش را آشکار کند.  
هدف از خلقت

### نکته مفهومی

در هیچ یک از ادیان گذشته مطالب فلسفی با این عمق و وسعت که در اسلام است، وجود ندارد.

### دعوت به تفکر عقلانی از سوی دین

هدف وحی از طرح مسائل مابعدالطبیعی، عرضه نحوه‌ای نگرش نسبت به جهان هستی است تا باعث رشد فردی و رشد اجتماعی مسلمانان شود.

تکامل بخشیدن به آگاهی خویش  
با تدبیر و تفکر از آن‌ها  
رشد و بالندگی فرهنگ اسلامی بر اتکای  
آن به مبانی عمیق و استوار

در صدر اسلام در میان عامه (اهل سنت) دو جبهه مختلف در برخورد با مسائل فلسفی و مابعدالطبیعی دین پدید آمد:

۱ تفریط در استفاده از عقل = نفی و تعطیل تفکر = اهل حدیث

۲ افراط در استفاده از عقل = معتزله



معلوماتشان در حدود نقل و روایت احادیث بود. اهل حدیث }  
 هر بحث و تحقیق و تجزیه و تحلیل در مسائل فلسفی دین را ناروا، بدعت و حرام می‌دانستند.  
 معتقد بودند علم به مسائل فلسفی دین را باید به خدا واگذار کرد.  
 معتقد بودند در مقابل هر جا که خدا خودش را در قرآن توصیف می‌کند باید سکوت کرد و تنها آن را تلاوت نمود.  
 اکثریت عامه اینان بودند.  
 پاسخ آن‌ها به پرسش‌های فلسفی (مابعدالطبیعی) در آیات، جمله مشهور «الکیفیه مجهول و السؤال عنه بدعه» بود که پاسخی سربالا و تحکم‌آمیز است.  
 چون خدا نگفته است.

به اصالت عقل اعتقاد کامل داشتند. معتزله }  
 بحث عقلی در مسائل مابعدالطبیعی (فلسفی) دین را جایز می‌دانستند و به آن اهتمام داشتند.  
 به شیعه نزدیک‌تر بودند.  
 در برابر موج مخالفت (اشاعره) نتوانستند مقاومت کنند و منقرض شدند.  
 هیچ سؤالی محکوم نیست و بدعت شمرده نمی‌شود.  
 اما در سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) } پاسخ‌ها در حد توان فکری پرسش‌کننده هستند.  
 اکثر پیشینیان از عامه اهل حدیث بودند. }  
 علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» معتقدند }  
 نظر اهل حدیث به دو دلیل قابل پذیرش نیست }  
 ۱) برخلاف عقل است.  
 ۲) برخلاف کتاب و سنت است.

### نکته مفهومی

معنا ندارد به مقدمه‌ای که مستلزم نتیجه‌ای است امر شود اما خود آن نتیجه ممنوع باشد.

دعوت به تفکر که مستلزم پرسش است سؤال و پرسش

مثلاً معنا نداره به کسی بگیم به استغفر بر و ولی مواسست باشه فیس نشی! 😊

### فلسفه اسلامی (جمع‌بندی)

۱) جهان‌شناسی به خصوصی را عرضه می‌کند که با معرفت فلسفی هم افق و سازگار است } ماهیت فلسفی  
 ۲) به تفکر و اندیشه در معارف دینی اصرار می‌ورزند و آن را از واجبات شرعی می‌دانند } دعوت به تفکر

سبب: معارف اسلامی با اینکه منشاء و زبان متفاوت با فلسفه دارند و به خودی خود فلسفی نیستند ولی ذاتاً مهبای تبیین عقلانی (استفاده از روش فلسفی) هستند؛ لذا می‌توان برای توضیح آن‌ها از مفاهیم فلسفی (زبان مابعدالطبیعه) مدد گرفت.

سبب: خاستگاه و سرچشمه و منشاء فلسفه اسلامی } متن و بطن خود اسلام است.  
 } برخورد تاریخی اسلام با فلسفه یونان نیست.

اما استفاده از مفاهیم فلسفی (زبان مابعدالطبیعه) برای توضیح معارف اسلامی بعد از ارتباط تاریخی مسلمانان با حکمای یونان (در نهضت ترجمه) میسر شد.

سبب: شکل و صورت و ساختارش به شیوه فلاسفه است. }  
 محتوای اصلی و ستون فقرات آن، دیدگاه‌های عمیق و ژرف کتاب و سنت به جهان هستی است.

سبب: برای آشنایی با فلسفه اسلامی ابتدا باید نحوه آشنایی آنان با حکمای یونان را بشناسیم.



## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

- ۲۶۶۰- مفاهیمی هم‌چون وجوب و امکان، علت و معلول، حادث و قدیم، جوهر و عرض و وجود و ماهیت، موضوع بحث ..... است که هدف از آن ..... می‌باشد.
- (۱) ماوراءالطبیعه - نظر به مراتب هستی  
(۲) مابعدالطبیعه - نظر به مراتب هستی  
(۳) ماوراءالطبیعه - نگاه به کل هستی  
(۴) مابعدالطبیعه - نگاه به کل هستی
- (فارج ۸۷)
- ۲۶۶۱- بیت «هر آن کاو ز دانش برد توشه‌ای / جهانی است بنشسته در گوشه‌ای» بیانگر ..... است که ..... را دنبال می‌کند.
- (۱) زبان فلسفه - زدودن ابرهای حیرت از برابر دیدگان فطرت  
(۲) زبان فلسفه - صیرورة الانسان عالماً عقلياً مضاهياً للعالم العینی  
(۳) روش مابعدالطبیعه - زدودن ابرهای حیرت از برابر دیدگان فطرت  
(۴) هدف مابعدالطبیعه - صیرورة الانسان عالماً عقلياً مضاهياً للعالم العینی
- (دافل ۸۸)
- ۲۶۶۲- اساسی‌ترین مفهوم و مدار همه بحث‌های مابعدالطبیعی ..... و قلمرو مابعدالطبیعه مجموع ..... است که روبه‌رو شدن با ..... می‌باشد.
- (۱) وجود و ماهیت - هستی - واقعیت‌ها  
(۲) وجود - هستی - واقعیت‌ها  
(۳) وجود - کائنات - نمودها و ذوات  
(۴) وجود و ماهیت - کائنات - نمودها و ذوات
- (فارج ۸۸)
- ۲۶۶۳- استفاده از حروف و کلمات و جملات که همان ..... است، می‌باشد و هدفش ..... است که انسان .....
- (۱) اشیاء و موجودات - به دست دادن تصویری جامع و صحیح از جهان هستی - جهانی شود عقلانی مشابه با جهان عینی.  
(۲) اشیاء و موجودات - تفسیر و تعیین جایگاه هر موجود در زنجیره وجود - قادر به فهم جایگاه خود در آفرینش شود.  
(۳) اوصاف ظاهری موجودات - تفسیر و تعیین جایگاه هر موجود در زنجیره وجود - جهانی شود عقلانی مشابه با جهان عینی.  
(۴) اوصاف ظاهری موجودات - به دست دادن تصویری جامع و صحیح از جهان هستی - قادر به فهم جایگاه خود در آفرینش شود.
- (دافل ۸۹)
- ۲۶۶۴- هدف از طرح مباحث وجود در فلسفه کدام است؟
- (۱) وصول به حقیقت  
(۲) شناخت کل جهان هستی  
(۳) بررسی کمیت و کیفیت اشیاء  
(۴) تبیین عقلانی مسائل جزئی علوم تجربی
- (فارج ۸۸)
- ۲۶۶۵- در نظر فیلسوف، موجودات نسبت به هستی به منزله .....
- (۱) حروف‌اند و هستی در حکم کلمات است.  
(۲) کلمات‌اند و هستی معنای آن‌هاست.  
(۳) خوانندگان یک کتاب به خود کتاب‌اند.  
(۴) جملات و معانی یک کتاب به کل کتاب‌اند.
- (دافل ۹۳)
- ۲۶۶۶- فلسفه علاوه بر تحقیق درباره مبانی ..... همه علوم تجربی، درباره مبانی ..... علوم انسانی نیز به پژوهش می‌پردازد. در نظر فیلسوف، اشیاء و موجودات در حکم حروف و کلمات و جملات هستند و ..... در حکم معنای آن‌هاست.
- (۱) خاص - کلی - وجود و ماهیت‌شان  
(۲) خاص - خاص - وجود و ماهیت‌شان  
(۳) کلی - خاص - وجود و هستی‌شان  
(۴) کلی - کلی - وجود و هستی‌شان
- (فارج ۸۸)
- ۲۶۶۷- مباحث وجود در فلسفه به قصد ..... است و مابعدالطبیعه درباره ..... سخن می‌گوید و احکام و عوارض آن را به کمک روش ..... بررسی می‌کند.
- (۱) شناخت جهان طبیعت - وجود مطلق - تجربی و برهان عقلی  
(۲) شناخت کل جهان هستی - مطلق وجود - تجربی و برهان عقلی  
(۳) شناخت جهان طبیعت - وجود مطلق - تعقلی  
(۴) شناخت کل جهان هستی - مطلق وجود - تعقلی
- (دافل ۹۳)
- ۲۶۶۸- کدام یک از موارد زیر، در زمره کارکردهای فلسفه قرار نمی‌گیرد؟
- (۱) تبیین عقلانی کلی‌ترین اموری که انسان با آن‌ها روبه‌رو است  
(۲) معین نمودن روش کشف قوانین در هر یک از علوم تجربی  
(۳) تبیین عقلانی کلی‌ترین اموری که انسان با آن‌ها روبه‌رو است  
(۴) تعیین حدود و توانایی روش تجربی و تحقیق در اصول غیر تجربی علوم
- (دافل ۹۳)
- ۲۶۶۹- عبارت «الحکمة هی صیرورة الانسان عالماً عقلياً مضاهياً للعالم العینی» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد و ناظر بر چیست؟
- (۱) تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون / کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد - روش مابعدالطبیعه  
(۲) این همه عکس می و نقش نگارین که نمود / یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد - روش مابعدالطبیعه  
(۳) هر آن کو ز دانش برد توشه‌ای / جهانی است بنشسته در گوشه‌ای - هدف مابعدالطبیعه  
(۴) عجز از ادراک ماهیت عمو / حالت عامه بود مطلق مگو - هدف مابعدالطبیعه



(فارج ۹۶)

۲۶۷۰- از نگاه یک فیلسوف، نسبت موجود به وجود به کدام نسبت نزدیک تر است؟

- (۱) جریان خون به رگها
- (۲) یک واژه نسبت به معنای آن
- (۳) آب نمک نسبت به نمک محلول در آن
- (۴) معنای یک واژه به نوشته همان واژه

۲۶۷۱- هدف فیلسوف این است که ..... ؛ بنابراین فلسفه می خواهد .....

- (۱) جهان عقلانی را درست مشابه و نظیر جهان عینی و خارجی نماید - از ورای همه موجودات به کل هستی نظر کند و با یک دید کلی، هستی را بشناسد.
- (۲) تصویری جامع و صحیح از جهان هستی به دست آورد - در شناخت ماهیت اشیاء تا آن جا ریشه یابی کند که به وجود محض، یعنی وجود بدون هیچ قید و شرط برسد.
- (۳) تصویری جامع و صحیح از جهان هستی به دست آورد - از ورای همه موجودات به کل هستی نظر کند و با یک دید کلی، هستی را بشناسد.
- (۴) جهان عقلانی را درست مشابه و نظیر جهان عینی و خارجی نماید - در شناخت ماهیت اشیاء تا آن جا ریشه یابی کند که به وجود محض، یعنی وجود بی قید و شرط برسد.

(دافل ۸۵)

۲۶۷۲- از دقت در بیت: «جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی / غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد» کدام مفهوم مستفاد می گردد؟

- (۱) لازمه صیانت از فطرت اول، تقید به تعقل و عقل معاش است.
- (۲) طلب فلسفه در گرو عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است.
- (۳) فطرت اول، بیدار نگه داشتن حالت جست و جوگری در انسان است.
- (۴) فطرت ثانی، خروج از حد و مرز فطرت اول و زیر پا نهادن آن است.

(فارج ۸۵)

۲۶۷۳- عبارت «صیورۃ الانسان عالماً عقلياً مُضاهياً للعالم العینی» بیانگر ..... است که آغازگر آن به بیان افلاطون ..... می باشد.

- (۱) نهایت علوم - حیرت در برابر هستی و گرفتار آمدن به بهت
- (۲) نهایت علوم - چشم پوشی از سایه های منقش بر دیوار غار وجود
- (۳) هدف مابعدالطبیعه - چشم پوشی از سایه های منقش بر دیوار غار وجود
- (۴) هدف مابعدالطبیعه - حیرت در برابر هستی و گرفتار آمدن به بهت

۲۶۷۴- فراغ از قید عقل معاش و پرداختن به پاسخگویی به پرسش هایی که ابتلای انسان به حیرت و شگفتی را به دنبال دارد، در گرو ..... است و طرح

(دافل ۸۷)

سوالات، برخاسته از ..... می باشد.

- (۱) عبور از فطرت اول به فطرت ثانی - فطرت انسان که رو به سوی پرستش دارد
- (۲) خروج از فطرت ثانی به فطرت اول - فطرت انسان که رو به سوی پرستش دارد
- (۳) خروج از فطرت ثانی به فطرت اول - اقتضای ذات بشر که موجودی متفکر است
- (۴) عبور از فطرت اول به فطرت ثانی - اقتضای ذات بشر که موجودی متفکر است

(فارج ۸۹)

۲۶۷۵- نخستین گام ورود به آستانه تفکر فلسفی ..... است و این گام هرگز محقق نمی شود جز با ..... و بیت:

«هر آن کوز دانش بزد توشه ای / جهانی است بنشسته در گوشه ای» مبین ..... مابعدالطبیعه است.

- (۱) گرفتار آمدن به حیرت در برابر هستی - گذر از فطرت اول به فطرت ثانی - هدف
- (۲) احساس نیاز به معرفت و شناخت - گذر از فطرت اول به فطرت ثانی - هدف
- (۳) گرفتار آمدن به حیرت در برابر هستی - توجه به ذات جستجوگر تشنه معرفت - موضوع
- (۴) احساس نیاز به معرفت و شناخت - توجه به ذات جستجوگر تشنه معرفت - موضوع

(دافل ۹۰)

۲۶۷۶- انسان، زمانی در آستانه تفکر فلسفی قرار می گیرد که ..... و طلب فلسفه به بیان صدرالمألهین در گرو ..... است.

- (۱) دچار حیرت شود - عبور از فطرت اول به فطرت ثانی
- (۲) دچار حیرت شود - گذر از ماهیات و وصول به «وجود»
- (۳) به صحنه «وجود» قدم بگذارد - عبور از فطرت اول به فطرت ثانی
- (۴) به صحنه «وجود» قدم بگذارد - گذر از ماهیات و وصول به «وجود»

۲۶۷۷- مقصود فلاسفه از «فطرت اول» چیست؟

- (۱) آفرینش انسان در بدو خلقت
- (۲) تفکر و تعقل در مبادی هستی
- (۳) حالت عادی انسان در برخورد با مسائل زندگی
- (۴) لحظات حیرت در برابر روح انسان

۲۶۷۸- لازمه عبور از فطرت اول به فطرت ثانی کدام است؟

- (۱) رهایی از قید عقل معاش
- (۲) عمل کردن به خواسته های غریزی
- (۳) تبیین راه و رسم سعادت انسان
- (۴) تهذیب نفس و تزکیه روح

۲۶۷۹- کدام یک از موارد زیر، از ویژگی های فطرت ثانی انسان نمی باشد؟

- (۱) آدمی را به یکباره به حیرت و شگفتی دچار می کند.
- (۲) انسان را با روابط و مناسبات زندگی هر روزی پیوند می دهد.
- (۳) آدمی را به پرسش درباره حقیقت وجود برمی انگیزد.
- (۴) انسان را به گوهر و حقیقت وجود خویش نزدیک می کند.



۲۶۸۰- کتاب «دنیایی که من می بینم» اثر کیست؟

۱) صدرالمآلهین ۲) ارسطو ۳) آلبرت اینشتاین ۴) ابراهیم مدکور

(داخل ۹۲)

۲۶۸۱- کدام عبارت در مورد فطرت ثانی درست نیست؟

- ۱) آدمی را از مناسبات زندگی هر روزه می گسلد و به تأمل در مورد آن‌ها وا می‌دارد.
- ۲) مسائلی برای انسان ایجاد می‌کند که در نظر بسیاری از مردم فاقد اهمیت است.
- ۳) بدون کنار گذاشتن امور و مسائل روزمره زندگی نمی‌توان به آن رسید.
- ۴) بیدار شدن آن در آدمی، حساب سود و زیان‌های مادی را در هم می‌ریزد.

(فارج ۹۳)

۲۶۸۲- در بیت «تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون / کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد»، «گذر به کوی طریقت» عبارت است از:

- ۱) عبور از فطرت اول به فطرت ثانی
- ۲) تبیین عقلانی مسائل اساسی حیات
- ۳) بی‌اعتنایی به امور طبیعی و تأمل در اهداف مهم
- ۴) حرکت از فطرت ثانی و رسیدن به اصل حقیقت

۲۶۸۳- فیلسوف بزرگ اسلامی ..... در کتاب ..... از ارسطو نقل می‌کند که طلب فلسفه ..... است و بدون آن، فلسفه بی‌معنا و بی‌فایده به نظر می‌رسد.

- ۱) ابن سینا - اشارات و تنبیهات - مرهون حیرت در برابر هستی و حیرت در برابر زندگی
- ۲) ملاصدرا - مبدأ و معاد - مرهون حیرت در برابر هستی و حیرت در برابر زندگی
- ۳) ابن سینا - اشارات و تنبیهات - در گرو عبور از فطرت اول به فطرت ثانی
- ۴) ملاصدرا - مبدأ و معاد - در گرو عبور از فطرت اول به فطرت ثانی

۲۶۸۴- از دقت در بیت «تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون / کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد» این مفهوم استنباط می‌گردد که ..... و طرح سؤالاتی که

ابتلای انسان به حیرت را به دنبال دارد، نشان‌دهنده ..... می‌باشد.

- ۱) وجود، اساسی‌ترین مفهوم و مدار همه بحث‌های مابعدالطبیعه است - اقتضای ذات بشر که موجودی متفکر است
- ۲) طلب فلسفه در گرو عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است - اقتضای ذات بشر که موجودی متفکر است
- ۳) وجود، اساسی‌ترین مفهوم و مدار همه بحث‌های مابعدالطبیعه است - فطرت انسان که فقط رو به مسائل عادی روزمره زندگی دارد
- ۴) طلب فلسفه در گرو عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است - فطرت انسان که فقط رو به مسائل عادی روزمره زندگی دارد

(داخل ۸۴)

۲۶۸۵- جهان‌شناسی عرضه شده از سوی اسلام، چگونه شناختی از جهان است و معارف دینی در اسلام، از چه ویژگی برخوردار است؟

- ۱) یک جهان‌بینی مبتنی بر وحی و آگاهی برتر - ذاتاً مهبیای تبیین عقلانی است.
- ۲) یک جهان‌بینی مبتنی بر وحی و آگاهی برتر - مبتنی بر تعبد و پذیرش درونی مکلف است.
- ۳) یک جهان‌شناسی هم‌افق و سازگار با معرفت فلسفی - ذاتاً مهبیای تبیین عقلانی است.
- ۴) یک جهان‌شناسی هم‌افق و سازگار با معرفت فلسفی - مبتنی بر تعبد و پذیرش درونی مکلف است.

۲۶۸۶- خاستگاه فلسفه اسلامی را باید در کجا جست‌وجو کرد و حرمت بحث و تعمق و تجزیه و تحلیل در مسائل عقلی از سوی چه کسانی از مسلمانان مطرح شد؟

(فارج ۸۶)

- ۱) در متن و بطن خود اسلام - معتزله و اشاعره
- ۲) در متن و بطن خود اسلام - اهل حدیث
- ۳) در برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر - اهل حدیث
- ۴) در برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر - معتزله و اشاعره

۲۶۸۷- با توجه به جایگاه و موقعیت وحی که معارفش سرچشمه آسمانی دارند و از طریق غیر از تفکر بشر به دست ما رسیده‌اند، کدام عبارت، صحیح به نظر نمی‌رسد؟

(داخل ۸۷)

- ۱) معارف دینی به ذات خود، مهبیای تبیین عقلانی و فلسفی هستند.
- ۲) خاستگاه فلسفه اسلامی را باید در برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر جست‌وجو کرد.
- ۳) فلسفه اسلامی، فلسفه‌ای است که محتوای اصلی و ستون فقرات آن را کتاب و سنت تشکیل می‌دهد.
- ۴) امکان استفاده از بیان فلاسفه در تفسیر دیدگاه‌های اسلامی پس از ارتباط تاریخی و فرهنگی با حکمای یونان فراهم شد.

۲۶۸۸- سؤال از مفهوم آیه شریفه «الرحمن علی العرش استوی» و دریافت پاسخ با جمله‌هایی شبیه «الکیفیه مجهولة و السؤال عنه بدعة» مشخص‌کننده

(فارج ۸۷)

موضع فکری ..... است.

- ۱) پذیرندگان جبر و محکومیت انسان در برابر اراده و مشیت قاهر خداوند متعال
- ۲) اهل حدیث مخالف با عقل و استدلال و تعمق در ماوراء ظواهر الفاظ کتاب و سنت
- ۳) گروه معتزله موافق با عقل و استدلال و تعمق در ماوراء ظواهر الفاظ کتاب و سنت
- ۴) هواداران جبهه نفی و تعطیل و معتقد به تصویب آراء سابقین صحابه پیامبر(ص)



۲۶۸۹- آن دسته از مسلمانان که جبهه نفی و تعطیل را تشکیل می‌دادند و بحث و تعمق و تجزیه و تحلیل در موضوعاتی هم چون «الرحمن علی العرش استوی» را جایز نمی‌شمردند ..... بودند.

(فارج ۸۸)

(۱) اشاعره و معتزله (۲) اهل حدیث و معتزله (۳) اهل سنت و معتزله (۴) اهل سنت و اهل حدیث

۲۶۹۰- نخستین سوره‌ای که صدر المتألهین به تفسیر آن پرداخت، کدام سوره است؟

(۱) حدید (۲) توحید (۳) بقره (۴) نور

۲۶۹۱- کتاب «شرح اصول کافی» اثر کیست؟

(۱) فیض کاشانی (۲) علامه طباطبایی (۳) ملاصدرا (۴) شیخ صدوق

۲۶۹۲- منظور از این که «جسمی دارای ماده و قوه است» چیست؟ یعنی آن جسم .....

(۱) دیگر تحول نمی‌پذیرد. (۲) دارای فعلیت کامل است. (۳) استعداد برای تغییر و حرکت دارد. (۴) همه کمالات ممکن خویش را واجد است.

۲۶۹۳- کدام یک از موارد زیر از صفات فرشتگان نمی‌باشد؟

(۱) عاری از ماده و قوه هستند. (۲) همگی مجردند و فعلیت تمام دارند. (۳) نمونه بارز خلقت و واسطه فیض آفرینش هستند. (۴) دارای استعداد برای حرکت از نقص به سوی کمال هستند.

۲۶۹۴- از نظر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، آیات قرآن از چه طریقی به تعمق و کوشش در معرفت خداوند و آیات الهی دعوت می‌کنند؟

(۱) تجربه و شناخت حسی (۲) تذکر و تفکر عقلی (۳) تزکیه و تهذیب اخلاقی (۴) کشف و شهود عرفانی

(فارج ۹۲)

۲۶۹۵- کدام عبارت در مورد ماهیت معارف دینی درست است؟

(۱) مواضع نظری دین درباره جهان هستی، محتوایی فلسفی دارد.

(۲) بسیاری از مسائل دینی وجود دارد که به زبان فلسفی بیان شده است.

(۳) معارف دینی همگی ماهیتی فلسفی دارند؛ هر چند در نحوه بیان متفاوتند.

(۴) نمی‌توان معارف دینی را، که ماهیتی فلسفی دارند، به شیوه فلسفی بررسی کرد.

۲۶۹۶- کدام عبارات به ترتیب، بیانگر برخورد اهل حدیث و اهل بیت (ع) در پرسش از آیه قرآنی «الرحمن علی العرش استوی» است؟

(۱) آن را قابل تبیین عقلانی ندانسته و انکار می‌کردند - به تعطیل تفکر در این امور امر کرده‌اند.

(۲) طرح سؤال را بدعت می‌دانستند - پاسخ‌هایی در حد توان فکری پرسش‌کننده بیان می‌کردند.

(۳) آن را قابل تبیین عقلانی ندانسته و انکار می‌کردند - پاسخ‌هایی در حد توان فکری پرسش‌کننده بیان می‌کردند.

(۴) طرح سؤال را بدعت می‌دانستند - به تعطیل تفکر در این امور امر کرده‌اند.

۲۶۹۷- خاستگاه فلسفه اسلامی را باید در ..... جست‌وجو کرد و هدف وحی از طرح پرسش‌های فلسفی ..... بوده است.

(۱) برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر - عرضه مطالب غیر قابل فهم و واداشتن اندیشه‌ها به تسلیم و سکوت

(۲) متن و بطن خود اسلام - عرضه مطالب غیر قابل فهم و واداشتن اندیشه‌ها به تسلیم و سکوت

(۳) برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر - دعوت به تفکر و تکامل بخشیدن اندیشه و آگاهی انسان

(۴) متن و بطن خود اسلام - دعوت به تفکر و تکامل بخشیدن اندیشه و آگاهی انسان

۲۶۹۸- طرح مباحث وجودشناسی در معارف الهی، ماهیت این مباحث را ..... و این مباحث منشأ ..... و محتوایی ..... دارند.

(۱) دگرگون نمی‌کند - مابعدالطبیعی - وحیانی (۲) تغییر می‌دهد - مابعدالطبیعی - وحیانی

(۳) دگرگون نمی‌کند - آسمانی - فلسفی (۴) تغییر می‌دهد - آسمانی - فلسفی

۲۶۹۹- مطالعات دقیق فلسفی و عرفانی، درباره آیات سوره توحید و آیات اول سوره حدید، حکما و عرفا را به کدام حقیقت رهنمون کرده است و آیات و روایات، ارتباط دین و فلسفه را چگونه تبیین می‌کند؟

(۱) این آیات حاوی بالاترین مضامین اجتماعی و فرهنگی است - دین راه هر نوع تعمق و تدبر فلسفی را برای انسان بسته است.

(۲) این آیات عالی‌ترین مرتبه توحید و معرفت است - انسان را به تعمق و تدبر در آن‌ها وادار می‌کند و هیچ‌گونه منافاتی بین دین و فلسفه وجود ندارد.

(۳) این آیات حاوی بالاترین مضامین اجتماعی و فرهنگی است - انسان را به تعمق و تدبر در آن‌ها وادار می‌کند و هیچ‌گونه منافاتی بین دین و فلسفه وجود ندارد.

(۴) این آیات عالی‌ترین مرتبه توحید و معرفت است - دین راه هر نوع تعمق و تدبر فلسفی را برای انسان بسته است.

۲۷۰۰- در مورد برخورد فرقه‌های اسلامی با مباحث مابعدالطبیعی متون اسلامی کدام گزینه مناسب است؟

- (۱) کسانی که معلوماتشان در حدود نقل روایات و احادیث بود، بحث عقلی در این مباحث را جایز می‌دانستند.
- (۲) اهل حدیث مخالف هرگونه بحث عقلی در این مباحث بودند و جمله «الکیفیه مجهولة و السؤال عنه بدعة» را مطرح می‌کردند.
- (۳) روش پیشوایان دین در برخورد با این‌گونه مسائل، محکوم کردن و بدعت شمردن آن‌ها بوده است.
- (۴) در میان شیعه، معتزله بحث عقلی در مباحث مابعدالطبیعی دین را جایز می‌دانستند و به آن اهتمام می‌ورزیدند.

(فارج ۹۴)

۲۷۰۱- طرح مباحث هستی در معارف الهی نشان‌دهنده کدام مورد است؟

- (۱) اصول و مسائل زیربنایی دین، ماهیت فلسفی دارند.
- (۲) دین در حقیقت و ذات خود چیزی جز فلسفه نیست.
- (۳) فلسفه، چیزی غیر از معارف الهی را بیان نمی‌کند.
- (۴) زبان دین و فلسفه، اختلاف اساسی و ماهوی ندارد.

### یک گام فراتر

۲۷۰۲- کدام یک درباره اصل‌هایی مانند «قابل شناخت بودن طبیعت و درستی روش تجربه و آزمایش»، درست نیست؟

- (۱) نقطه اتکای علوم تجربی هستند.
- (۲) در فلسفه مفروض گرفته می‌شوند.
- (۳) فلسفه عهده‌دار تحقیق در آن‌هاست.
- (۴) در علوم گوناگون تجربی پذیرفته شده‌اند.

۲۷۰۳- عرصه مطالعه مابعدالطبیعه چیست و این مطالعه با چه روشی صورت می‌گیرد؟

- (۱) سراسر هستی - تجربی و عقلانی
- (۲) بخشی از هستی - فقط عقلانی
- (۳) سراسر هستی - فقط عقلانی
- (۴) بخشی از هستی - تجربی و عقلانی

۲۷۰۴- فلسفه، مبانی ..... علوم انسانی و مبانی ..... علوم تجربی را تحکیم می‌کند. مورد اول به این معنا است که .....

(۱) خاص - عقلانی - هر یک از آن علوم را به نوعی بینش فلسفی نسبت به انسان استوار می‌کند.

(۲) کلی - عام - دیدگاه فلسفی نسبت به ماهیت و حقیقت انسان پایه نظریات آن‌هاست.

(۳) عام - غیرتجربی - هر کدام از علوم انسانی را به نوعی بینش فلسفی خاص نسبت به انسان متکی می‌کند.

(۴) خاص - کلی - عقاید فلسفی دانشمندان نسبت به حقیقت جهان، اساس نظریات آن‌هاست.

۲۷۰۵- پرسش درباره ماهیت و معانی زندگی بشر و حیات اجتماعی به‌طور کلی در فطرت ..... و کسی که ..... از نظر اینشتاین در کتاب دنیایی که من

می‌بینم .....

(۱) اول مطرح شده - آن پرسش‌ها را غیرعقلانی می‌داند - بدبخت و فاقد صلاحیت زندگی است.

(۲) ثانی مطرح شده - زندگی خود و دیگران را بی‌معنا می‌داند - فیلسوف به معانی حقیقی آن نیست.

(۳) ثانی مطرح شده - آن پرسش‌ها را عقلانی نمی‌داند - زندگی و حیات خود و دیگران را پوچ می‌انگارد.

(۴) اول مطرح شده - حیات خود و دیگران را واهی می‌شمارد - شایسته حیات نبود.

۲۷۰۶- کدام عبارت درباره فلسفه درست است؟

(۱) چهره خاص هر موجودی را تبیین عقلانی می‌کند.

(۲) به دنبال یافتن یک دید کلی از جهان هستی است.

(۳) در بیان مباحث خود از اصطلاحات علمی استفاده می‌کند.

(۴) با روش تجربی می‌توان یافته‌های آن را بررسی کرد.

۲۷۰۷- فلسفه برای چه کسی حتماً بی‌فایده به‌نظر می‌رسد؟

(۱) با مباحث فلسفی به‌درستی آشنا نباشد.

(۲) به زندگی و امور آن اهمیت بدهد.

(۳) نتواند مشکلات اساسی زندگی را حل کند.

(۴) دل‌مشغولی‌اش فقط امور روزمره باشد.

۲۷۰۸- متافیزیک دانشی است که .....

(۱) کنه و بن سایر علوم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

(۲) تبیین عقلانی پدیده‌ها و علل آن‌ها را برعهده دارد.

(۳) به ماوراءالطبیعه و ابعاد آن، از جهت هستی اختصاص دارد.

(۴) چیزها را از این حیث که مصادیق هستی‌اند، بررسی می‌کند.

۲۷۰۹- کدام گزینه در مورد نسبت فلسفه و علوم تجربی نادرست است؟

(۱) تحکیم مبانی علوم تجربی (۲) اعتبار و ارزش روش تجربی (۳) حدود توانایی‌های روش تجربی (۴) اثبات قوانین علوم تجربی

۲۷۱۰- داشتن یک دیدگاه کلی جهت به‌دست آوردن تصویری جامع و صحیح از جهان هستی به کدام یک از جنبه‌های متافیزیک مرتبط است؟

- (۱) هدف (۲) روش (۳) زبان (۴) موضوع



۲۷۱۱- متناسب با بیت زیر و محتوای آن کدام عبارت کامل تر به نظر می‌رسد؟

«حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد / این همه نقش در آیینۀ اوهام افتاد»

- ۱) مطالب فلسفی که در قالب زبان غیرفلسفی بیان شده‌اند را، نمی‌توان به شیوه فلسفی آن‌ها را مطالعه کرد.
- ۲) معانی که مراد فلاسفه بوده و در قالب و زبان متفاوت بیان شده و محتوایی فلسفی دارند.
- ۳) اختلاف در تعبیر در بیان مطالب وجودشناسانه تعلق آن‌ها را به قلمرو مابعدالطبیعه خدشه‌دار نمی‌کند.
- ۴) تعبیر متفاوت و مختلف در بیان مسائل مابعدالطبیعه و احوال وجود به چشم می‌خورد.

۲۷۱۲- از حدیث «الحکمة ضالة المؤمن، فاطلبوها و لو عند المشرك» کدام مطلب درباره رابطه دین و فلسفه به طور دقیق‌تری بیان شده است؟ استعدادهای فکری

و نیروی خلاقیت متفکران اسلامی به برکت ..... و هم‌سخنی با حکمای یونان به سامان بخشیدن نظام فکری نوین فلسفه اسلامی منجر شد.

- ۱) جهان‌شناسی به‌خصوص از سوی متون اسلامی عرضه شده که ماهیتی فلسفی دارد - ترجمۀ آثار یونانیان
- ۲) قابلیت متون اسلامی برای تفسیر شدن به زبان فلسفی غیرقابل تردید است - آیات و روایات
- ۳) هموار شدن راه تحصیل حکمت به‌واسطه بیان عمیق دیدگاه‌ها درباره هستی بوده است - گسترش نظام‌های فلسفی گذشته
- ۴) راه تحصیل علم با دعوت به تفکر و واجب دانستن آن از سوی اسلام هموار شد - احادیث و آیات قرآن

۲۷۱۳- بحث عقلی در مسائل مابعدالطبیعه دین از سوی معتزله ..... و از سوی اهل حدیث ..... بود و علامه طباطبایی ذیل آیه ۵۴ سوره اعراف در

تفسیر المیزان روش گروه ..... را با عقل ..... و از سوی کتاب و سنت ..... قلمداد می‌کنند.

- ۱) مردود - مقبول - اول - مخالف - قبول
- ۲) مقبول - مردود - اول - موافق - مردود
- ۳) مقبول - مردود - دوم - مخالف - مردود
- ۴) مردود - مقبول - دوم - موافق - مقبول

۲۷۱۴- کدام گزینه برای تکمیل عبارت زیر مناسب‌تر است؟

«دلیل این‌که به فلسفه، مابعدالطبیعه می‌گویند این است که ..... و ماوراءالطبیعه .....

- ۱) به طبیعت نمی‌پردازد - در قلمرو و عرصه مطالعه آن قرار می‌گیرد.
- ۲) علم هستی‌شناسی است - با آن متفاوت است و مرتبه‌ای از هستی محسوب می‌شود.
- ۳) از طبیعت فراتر می‌رود - علم به هستی نیست، بلکه یکی از مراتب وجود است.
- ۴) احکام مطلق وجود را بررسی می‌کند - شامل تمام مراتب هستی است.

۲۷۱۵- کدام گزینه با مضمون ابیات زیر تناسب و تطابق بیشتری دارد؟

عجز از ادراک ماهیت عمومی / حالت عامه بود مطلق مگو  
زانکه ماهیات و سرسرخشان / پیش چشم کاملان باشد عیان

- ۱) ارزش پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی مثل «حقیقت انسان چیست؟» به‌اندازه ارزش وجود آدمی است و در فطرت ثانی مطرح می‌شود.
- ۲) فطرت ثانی و مسائل مربوط به آن در صورتی درک می‌شوند که از قید عقل معاش فارغ شویم.
- ۳) فطرت اول حالت مردم عادی و فطرت ثانی حالت خواص است که راز هستی را کاملاً آشکار می‌کند.
- ۴) فطرت ثانی انسان را به گوهر و حقیقت وجودش نزدیک می‌کند و بی‌اعتنایی مردم درگیر به فطرت اول از ارزش آن نمی‌کاهد.

۲۷۱۶- نظر علامه طباطبایی درباره عقیده‌ای که با استناد به متون دینی تأمل در حقایق عبارت قرآن را ناروا می‌شمرد، کدام است؟

- ۱) مستلزم پذیرفتن تناقض در کلام الهی است.
- ۲) با توجه به مضمون برخی از احادیث قابل پذیرش است.
- ۳) پذیرش آن به معنای خروج از دین است.
- ۴) قبول آن مساوی سرپیچی از احکام الهی است.

۲۷۱۷- «السؤال عنه بدعة»، پاسخ ..... به ..... بود.

- ۱) اهل حدیث - معتزله
- ۲) اهل حدیث - پرسش‌کنندگان
- ۳) اهل سنت - اهل استدلال
- ۴) اهل حدیث - مخالفان خود

۲۷۱۸- کدام عبارت درباره مابعدالطبیعه نادرست است؟

- ۱) با فهم معانی عرفی اصطلاحات آن، قادر به فهم خواهیم بود.
- ۲) قلمرو آن از قلمرو هر دانشی که تصور شود، وسیع‌تر است.
- ۳) هیچ دانشی را نمی‌توان تصور کرد که مانند آن به عمق اشیاء نفوذ کند.
- ۴) از معنای هستی پرسش می‌کند و هدف آن درک معنای خود هستی است.

۲۷۱۹- کدام عبارت درباره مابعدالطبیعه درست نیست؟

- ۱) در پی یافتن واقعیت هر موجود است.
- ۲) هر جا که موجودی باشد، حرفی برای گفتن دارد.
- ۳) هیچ بخشی از هستی، از حیطة مطالعه آن بیرون نیست.
- ۴) مطالعه چهره‌های ظاهری موجودات جزء کوچکی از آن است.

۲۷۲۰- می توان گفت از نظر فیلسوف، .....

- (۱) کار فلسفه شناخت چهره‌های گوناگون موجودات است.  
 (۲) فلسفه نگرستن به اشیاء با نگاه دقیق و علمی است.  
 (۳) بدون دریافت معنای هستی، شناخت جزئیات و موجودات غیرممکن است.  
 (۴) جهان چون کتابی است که موجودات عبارات آن و هستی معنای آن هاست.

۲۷۲۱- حضرت علی (ع) در توصیف فرشتگان، آن‌گاه که می‌فرمایند عاری از ماده و قوه‌اند، کدام دلیل را بابت احراز این مفهوم ذکر می‌فرمایند؟  
 (۱) نورانی شده‌اند.  
 (۲) جملگی مجردند.  
 (۳) واسطه فیض آفرینش‌اند.  
 (۴) نمونه بارز خلقت‌اند.

۲۷۲۲- کدام عبارت درباره «فلسفه اسلامی» صحیح است؟

- (۱) محتوای آن به شیوه فلاسفه است.  
 (۲) نتیجه برخورد تاریخی مسلمانان و یونانیان است.  
 (۳) شکل و محتوای آن، هر دو با دین سازگار است.  
 (۴) ستون فقرات آن دیدگاه‌های ژرف کتاب و سنت است.

۲۷۲۳- کدام گزینه در مورد فطرت ثانی نادرست است؟

- (۱) انسان را متوجه عقل معاد می‌کند.  
 (۲) حساب سود و زیان‌های مادی را به هم می‌ریزد.  
 (۳) انسان را به ذاتش نزدیک می‌کند.  
 (۴) آدمی در غالب اوقات متوجه آن است.

۲۷۲۴- صحیح نیست اگر درباره فلسفه گفته شود: .....

- (۱) پژوهش درباره مبانی علوم انسانی و تجربی را برعهده دارد.  
 (۲) چون علم هستی‌شناسی است به آن مابعدالطبیعه می‌گویند.  
 (۳) در جست‌وجوی احکام و قواعد و ضوابط اشیا تلاش می‌کند.  
 (۴) قلمرو اصلی آن پهنه بی‌پایان هستی و پدیده‌ها است.

۲۷۲۵- نسبت بین احکام وجود با احکام و قوانین عالم ماده ..... و سلسله مسائل مابعدالطبیعه درباره ..... است.

- (۱) عام و خاص مطلق - وجود مطلق  
 (۲) عام و خاص مطلق - مطلق وجود  
 (۳) عام و خاص من‌وجه - وجود مطلق  
 (۴) عام و خاص من‌وجه - مطلق وجود

۲۷۲۶- به اعتبار این‌که فلسفه ..... به آن مابعدالطبیعه می‌گویند که .....

- (۱) با بود و نبود اشیا کار دارد - مرتبه‌ای از عالم هستی است که ورای طبیعت و جهان مادی است.  
 (۲) علم هستی‌شناسی است - علم به هستی است در حالت کلی.  
 (۳) قلمرو آن پهنه بی‌پایان هستی است - احکام و عوارض وجود مطلق را بررسی می‌کند.  
 (۴) چهره‌ای خاص از موجودات را مطالعه می‌کند - اساسی‌ترین مفهوم همه بحث‌های آن وجود است.

۲۷۲۷- بیت زیر چه پیامی دارد و به عقیده ارسطو، فلسفه چه وقتی بی‌معنا و بی‌فایده خواهد بود؟

«تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد»

- (۱) ظاهربینی و گرایش عمومی به فطرت اول - هنگامی که در چارچوب مادی، تبیین عقلانی کند.  
 (۲) دستیابی به اهداف همگانی و عقل معاش - هنگامی که در چارچوب مادی، تبیین عقلانی کند.  
 (۳) ظاهربینی و گرایش عمومی به فطرت اول - هنگامی که فطرت اول به فطرت ثانی نرسد.  
 (۴) دستیابی به اهداف همگانی و عقل معاش - بی‌توجهی به زندگی روزمره و دچار حیرت شدن.

۲۷۲۸- کدام یک درباره نظام فلسفی اسلامی نادرست است؟

- (۱) سبب گسترش نظام‌های فلسفی گذشته گردید.  
 (۲) در ابتدای تأسیس، گرایش ارسطویی در آن غلبه داشت.  
 (۳) ضمن برخورداری از آرای حکمای یونان، اندیشه‌های جدیدی را دربرداشت.  
 (۴) بنیان‌های اصلی آن را ترجمه متون فلسفی یونانی تشکیل می‌دهد.

۲۷۲۹- ناروا دانستن پرسش درباره کیفیت آیات و روایات درباره نحوه به‌وجود آمدن جهان، مراتب و درجات هستی با موضع فکری کدام گزینه هم‌خوانی کامل‌تری دارد؟

- (۱) آن‌هایی که به پرسش‌های فلسفی درباره آیات و روایات پاسخ سربالا نمی‌دادند.  
 (۲) کسانی که به مذهب شیعه نزدیک‌تر بودند و بهره‌ای از عقل فلسفی و استدلالی داشتند.  
 (۳) معتقدان به بحث عقلی درباره مسائل مابعدالطبیعی دین که در مقابل موج مخالف‌شان منقرض شدند.  
 (۴) پیشروان جبهه نفی و تعطیل که بحث در مسائل مابعدالطبیعی را بدعت می‌دانستند.

۲۷۳۰- از نظر گروهی از متکلمین اسلامی که بحث عقلی در آیات و روایات را ..... می‌دانند، درباره آیه «الرحمن علی العرش استوی» ..... و .....

به ترتیب معلوم و نامعلوم‌اند.

- (۱) ناروا - کیفیت استواء - استواء (۲) روا - کیفیت استواء  
 (۳) ناروا - استواء - کیفیت استواء (۴) روا - کیفیت استواء - استواء



۲۷۳۱- «این‌که وارثان حقیقی معارف پیشینیان نوابی در عالم اسلام بودند که به برکت کتاب و سنت، استعدادهای فکری و نیروی خلاقیتشان در اوج شکوفایی

بود» در عبارت مشخص شده چرا به برکت کتاب و سنت این رویداد پیش آمده بود؟

(۱) به دلیل هم‌سخن شدن با آرای حکمای یونان و نقد آن‌ها

(۲) به دلیل محتوای فلسفی دینشان و دعوت به تفکر در آن

(۳) به خاطر علاقه‌مندی به علم و حکمت و نظر کردن آن‌ها در آرای گذشتگان

(۴) به دلیل این که پیشوایان آن‌ها حکمت را گمشده مؤمن می‌دانستند که در هر جایی باید طلب شود

۲۷۳۲- با مطالعه آیه «الرحمن علی العرش استوی» (طه - ۵) اگر کسی در این آیه و آیات مشابه آن، که عرضه‌کننده ..... است و با ..... هم‌افق بوده

تفکر نکند، .....

(۱) جهان‌شناسی به‌خصوص - معرفت فلسفی - یکی از واجبات شرعی ترک شده است.

(۲) جهان‌بینی فلسفی - معارف اسلامی - فلسفه اسلامی شکل نمی‌گیرد.

(۳) جهان‌شناسی خاص - معرفت مابعدالطبیعی - دچار انحراف اشعری‌ها شده است.

(۴) جهان‌بینی فلسفی - معرفت دینی - ارتباط دین و فلسفه قطع می‌گردد.

۲۷۳۳- کدام گزینه پیرامون مابعدالطبیعه دقیق نیست؟

(۱) قلمرو مابعدالطبیعه قسمتی مخصوص از هستی نیست و هرچا موجودی وجود داشته باشد، مابعدالطبیعه حاضر است و آن موجود را ریشه‌یابی می‌کند.

(۲) ورود به دانش مابعدالطبیعه در گرو به‌وجود آوردن حیرت در برابر هستی و قرار گرفتن انسان در آستانه تفکر فلسفی است.

(۳) هدف مابعدالطبیعه تبدیل کردن انسان به جهانی عقلانی درست نظیر عالم عینی و خارجی و حصول تصویری جامع و صحیح از جهان هستی است.

(۴) احکام و قواعد اشیا از جهت هستی‌شان مستلزم مطالعه عمیق با روشی غیر از روش تجربی هستند که این امر از مابعدالطبیعه ساخته است.

۲۷۳۴- پیرامون ارتباط دین اسلام و فلسفه کدام گزینه دقیق و درست به نظر نمی‌رسد؟

(۱) در کتاب و سنت مطالب فراوانی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به حقیقت و احوال وجود مربوط است، یافت می‌شود.

(۲) علاوه بر این که تعبیر و معانی فلسفی در آیات و روایات به‌چشم می‌خورد تفکر در آن‌ها هم واجب شرعی قلمداد می‌گردد.

(۳) سازگاری و هم‌افق بودن جهان‌شناسی عرضه شده در متون اسلامی با معرفت فلسفی آن‌ها را مهبیای تبیین عقلانی می‌کند.

(۴) شکل، صورت و چگونگی تبیین و استدلال در فلسفه اسلامی، ریشه در دیدگاه‌های ژرف کتاب و سنت نسبت به جهان هستی دارد.

۲۷۳۵- مقصود فلاسفه از فطرت اول، ..... است.

(۱) رویارویی با مسائل مختلف زندگی

(۲) تلاش برای دستیابی به مقاصد زندگی روزمره

(۳) حالت عادی انسان در مواجهه با امور

(۴) برخورد و تماس با مسائل زندگی هر روزه

۲۷۳۶- کدام مورد درباره ارتباط فلسفه با متون اسلامی درست است؟

(۱) گاهی قرآن معارف الهی را با زبانی فلسفی بیان کرده است.

(۲) هدف وحی از طرح معارف توحیدی، تسلیم محض اندیشه‌ها بوده است.

(۳) بسیاری از مباحثی که در قرآن مطرح شده است، به قلمرو فلسفه تعلق دارند.

(۴) متون اسلامی درباره مسائلی که ماهیت فلسفی دارند، ساکت است.

۲۷۳۷- کدام عبارت درباره حیرت فلسفی درست نیست؟

(۱) راز هستی را مکشوف می‌کند.

(۲) بدون رهایی از عقل معاش ایجاد نمی‌شود.

(۳) منشأ سؤالات اساسی فلسفه است.

(۴) اقتضای ذات بشر است.

۲۷۳۸- در بیت «جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی / غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد» کدام عبارت نمی‌تواند منظور شاعر از «غبار ره» باشد؟

(۱) تفکر در مسائل روزمره (۲) نگرستن با چشم عادی (۳) دل‌مشغولی به امور روزمره (۴) مناسبات زندگی هر روزه

۲۷۳۹- درباره معارف دینی و سرچشمه آن‌ها کدام یک را می‌توان پذیرفت؟

(۱) از تفکر بشری برخاسته‌اند و به ذات خود مهبیای تبیین عقلانی هستند.

(۲) برای توضیح آن‌ها می‌توان از زبان مابعدالطبیعه مدد گرفت، هر چند سرچشمه‌ای آسمانی دارند.

(۳) از متن و بطن خود اسلام برخاسته و در قالب اصطلاحات فلاسفه مطرح شده‌اند.

(۴) برای توضیح آن‌ها می‌توان از مفاهیم فلسفی استفاده کرد؛ زیرا از طریق تفکر بشری به دست ما رسیده‌اند.



۲۷۴۰- محتوای فلسفه اسلامی ..... است که .....

- ۱) جهان بینی کتاب و سنت - صورت آن نیز از کتاب و سنت سرچشمه می‌گیرد.
- ۲) در متن و بطن خود اسلام - باعث می‌شود خاستگاه آن را در برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر ببینیم.
- ۳) دعوت به تفکر در متون اسلامی - نشانه استقلال این فلسفه از دیگر مکاتب فلسفی است.
- ۴) نگرش منابع اسلامی به جهان هستی - منافاتی با ارتباط تاریخی مسلمانان با حکمای یونان ندارد.

۲۷۴۱- نتیجه مطالعات دقیق فلسفی حکما و عرفانی عرفا چیست؟

- ۱) گذر از فطرت اول به فطرت ثانی و ایجاد لحظات حیرت.
- ۲) اینکه فلسفه و دین مخالف هم نیستند و یک مطلب را با زبان متفاوت بیان می‌کنند.
- ۳) رهنمون شدن به این حقیقت که آیات سوره توحید و آیات اول سوره حدید عالی‌ترین مرتبه توحید هستند.
- ۴) رسیدن به این نکته که دین و فلسفه خاستگاه یکسانی دارند و نشانه‌های این امر ماهیت فلسفی دین و دعوت به تفکر است.

۲۷۴۲- کدام گزینه در مورد فطرت ثانی نادرست است؟

- ۱) بیدار شدن آن در انسان، حساب سود و زیان‌های مادی را به هم می‌ریزد.
- ۲) مسائلی برای انسان اهمیت می‌یابند که در نظر بسیاری از مردم اهمیتی ندارند.
- ۳) انسان را از مناسبات هر روزه زندگی رها می‌کند و به تأمل درباره آن‌ها وامی‌دارد.
- ۴) بدون کنار گذاشتن کامل مسائل زندگی روزمره نمی‌توان به آن رسید.

۲۷۴۳- کدام گزینه هماهنگی بیشتری با مفهوم بیت زیر دارد؟

- |  |   |
|--|---|
| <p>«نسبت واجب به موجودات چون شمس است و ضوء<br/>این همه عکس می و نقش نگارین که نمود<br/>در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند<br/>هر خط که بر این ورق کشیده است<br/>از جود وجود عشق موجود شدیم</p> | <p>نی به مانند بنا و نسبت بناستی»<br/>یک فروغ از رخ ساقی ست که در جام افتاد<br/>آن چه استاد ازل گفت بگو می‌گویم<br/>شک نیست در آن که آفریده است<br/>بی جود وجود بی‌وجودیم همه</p> |
|--|---|

۲۷۴۴- در بیان امام علی(ع) درباره فرشتگان و ملائک به کدام موضوع فلسفی اشاره نشده است؟

- ۱) علت‌های چهارگانه در فلسفه ارسطو
- ۲) سلسله مراتب آفرینش در حکمت مشاء
- ۳) جغرافیای عرفانی در حکمت اشراق
- ۴) اشتراک معنوی وجود در حکمت متعالیه

۲۷۴۵- کدام گزینه به لحاظ مفاهیم مطرح شده کاملاً با مفهوم فطرت اول هم‌سبب است؟

- ۱) سرای طبیعت - کوی طریقت - عقل معاش
- ۲) حجاب عادت - سرای طبیعت - عقل معاش
- ۳) تفکر - سرای طبیعت - حجاب عادت
- ۴) عقل معاد - سرای طبیعت - کوی طریقت

۲۷۴۶- کدام گزینه درباره مابعدالطبیعه نادرست است؟

- ۱) تعقلی و برهانی است هرچند که این روش با شناخت تجربی تفاوتی ندارد.
- ۲) پرده از چهره‌های گوناگون یک موجود مانند کیفیت و کمیت برمی‌دارد.
- ۳) در شناخت هستی اشیا تا آن جا ریشه‌یابی می‌کند که به وجود محض برسد.
- ۴) حوزه‌ای را مورد مطالعه قرار می‌دهد که شناخت آن با اسباب آزمایشگاهی مقدور نیست.

۲۷۴۷- محتوای همه گزینه‌ها پیرامون ماهیت فلسفی معارف الهی درست است، به جز:

- ۱) برخی اصطلاحات و موضوعات فلسفی در آیات و روایات مطرح شده است.
- ۲) مباحث وجودشناسی موجود در دین مواضع نظری دین را بیان می‌کند.
- ۳) بیان موضوعات فلسفی به زبان دین معنای نهفته در آن‌ها را تغییر نمی‌دهد.
- ۴) در کتاب الهی و روایات، معانی فلسفی مطرح‌شده، در قالب کلام خدا و پیشوایان دین بیان شده است.

- ۲/۲۶۷۰ حروف و کلمات - معنای واژه - معنای کل کتاب =  
 خواص ظاهری شیء - وجود محض شیء - کل وجود (مطلق وجود)
- ۳/۲۶۷۱ مباحث وجود در فلسفه به قصد شناخت کل جهان هستی است و فیلسوف می‌خواهد تصویری جامع و صحیح از جهان هستی به دست آورد. فلسفه می‌خواهد از ورای همه موجودات به کل هستی نظر کند و با یک دید کلی، هستی را بشناسد.
- ۲/۲۶۷۲ مقصود فلاسفه از «فطرت اول» همان «حالت عادی ما در برخورد و تماس با امور و مسائل زندگی هر روزه» است. لازمه عبور از فطرت اول این است که آدمی برای لحظاتی از قید عقل معاش فارغ شود و با پرسش‌هایی روبه‌رو گردد که ارزش آن به اندازه ارزش وجود آدمی است. این حال همان «فطرت ثانی» است. تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون  
 کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد  
 جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی  
 غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد  
 منظور عبارت «غبار ره بنشان» همان عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است.
- ۴/۲۶۷۳ این عبارت بیانگر هدف مابعدالطبیعه است. افلاطون معتقد است که فلسفه منحصرأ با حیرت در برابر هستی آغاز می‌شود.
- ۴/۲۶۷۴ طلب فلسفه در گرو عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است و لازمه این عبور، فراغت از قید عقل معاش و پاسخگویی به پرسش‌هایی است که اقتضای ذات بشر است؛ چرا که بشر ذاتاً متفکر است و تفکر، همان فطرت ثانی او است.
- ۱/۲۶۷۵ ما در لحظات حیرت در برابر هستی و وجود و حیرت در برابر زندگی در آستانه تفکر فلسفی قرار می‌گیریم. طلب فلسفه در گرو عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است. بیت «هر آن کو ز دانش برد توشه‌ای / جهانی است بنشسته در گوشه‌ای» بیانگر هدف مابعدالطبیعه است؛ چنان‌که در تعریف فلسفه گفته‌اند: فلسفه، سیر و حرکت انسان است، به صورتی که جهانی شود عقلانی، درست مشابه و نظیر جهان عینی و خارجی.
- ۱/۲۶۷۶ با حیرت در برابر هستی و وجود و حیرت در برابر زندگی، ما در آستانه تفکر فلسفی قرار می‌گیریم. صدرالمتهلین در کتاب «مبدأ و معاد» از «ارسطو» نقل می‌کند که: طلب فلسفه در گرو عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است و بدون آن، فلسفه بی‌معنا و بی‌فایده به نظر می‌رسد.
- ۳/۲۶۷۷ مقصود فلاسفه از «فطرت اول»، همان حالت عادی ما در برخورد و تماس با امور و مسائل زندگی هر روزه است.
- ۱/۲۶۷۸ لازمه عبور از فطرت اول این است که آدمی برای لحظاتی از قید عقل معاش فارغ شود و با پرسش‌هایی روبه‌رو گردد که پاسخ‌گویی به آن‌ها، به ظاهر سودی در بر ندارد اما در حقیقت، ارزش آن به اندازه ارزش وجود آدمی است. تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون  
 کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد
- ۲/۲۶۷۹ ویژگی‌های فطرت ثانی عبارتند از: (۱) آدمی را به یکباره به حیرت و شگفتی وادار می‌کند. (۲) حساب سودها و زیان‌های مادی را به هم می‌ریزد. (۳) آدمی را به پرسش درباره حقیقت وجود برمی‌انگیزد. (۴) سبب می‌شود انسان از
- ۴/۲۶۶۰ مفاهیمی مانند وجوب و امکان، حادث و قدیم و ... موضوع بحث مابعدالطبیعه (فلسفه اولی) است. فلسفه می‌خواهد از ورای همه موجودات به کل هستی نظر کند و با یک دید کلی هستی را بشناسد.
- ۴/۲۶۶۱ هدف مابعدالطبیعه این است که از ورای همه موجودات به کل هستی نظر کند و با یک دید کلی، هستی را بشناسد. به همین دلیل در تعریف آن گفته‌اند: فلسفه سیر و حرکت انسان است به صورتی که جهانی شود عقلانی، درست مشابه و نظیر جهان عینی و خارجی (الحکمة هی سیرورة الانسان عالمأ عقلياً مضاهياً للعالم العینی).
- هر آن کو ز دانش برد توشه‌ای  
 جهانی است بنشسته در گوشه‌ای  
 اساسی‌ترین مفهوم و مدار همه بحث‌های مابعدالطبیعه، وجود است. قلمرو مابعدالطبیعه، مجموع هستی است که روبه‌رو شدن با واقعیت‌ها می‌باشد.
- ۱/۲۶۶۳ در نظر فیلسوف، اشیاء و موجودات در حکم «حروف و کلمات و جملات» هستند و وجود و هستی‌شان در حکم «معنای آن‌ها» است. فیلسوف می‌خواهد تصویری جامع و صحیح از جهان هستی به دست آورد. فلسفه می‌خواهد از ورای همه موجودات به کل هستی نظر کند و با یک دید کلی هستی را بشناسد. به همین جهت، در تعریف فلسفه گفته‌اند: فلسفه سیر و حرکت انسان است، به صورتی که جهانی شود عقلانی، درست مشابه و نظیر جهان عینی و خارجی.
- ۲/۲۶۶۴ هدف از طرح مباحث وجود در فلسفه شناخت کل جهان هستی است.
- ۲/۲۶۶۵ در نظر فیلسوف، اشیاء و موجودات در حکم حروف و کلمات و جملات هستند و وجود و هستی‌شان در حکم معنای آن‌هاست.
- ۳/۲۶۶۶ فلسفه علاوه بر تحقیق درباره مبانی کلی همه علوم تجربی، درباره مبانی خاص علوم انسانی نیز به پژوهش می‌پردازد. در نظر فیلسوف، اشیاء و موجودات در حکم حروف و کلمات و جملات هستند و وجود و هستی‌شان در حکم معنای آن‌هاست.
- ۴/۲۶۶۷ مباحث وجود در فلسفه به قصد شناخت کل جهان هستی است. مابعدالطبیعه از یک سلسله مسائل درباره مطلق وجود، یعنی وجود بی‌قید و شرط، سخن می‌گوید و احکام و عوارض آن را بررسی می‌کند. مابعدالطبیعه، وجود اشیاء را به کمک تبیین عقلانی یعنی به روش تعقلی می‌شناسد و با قدم عقل و برهان عقلی پیش می‌رود.
- ۳/۲۶۶۸ فلسفه می‌کوشد تا کلی‌ترین اموری را که انسان با آن‌ها روبه‌روست، تبیین عقلانی کند. فلسفه هم مبانی علوم را تحکیم می‌کند و هم درباره اعتبار و ارزش روش تجربی در شناخت طبیعت سخن می‌گوید و حدود و توانایی روش تجربی را تعیین می‌نماید. فلسفه علاوه بر تحقیق درباره مبانی کلی علوم تجربی، درباره مبانی خاص علوم انسانی نیز به پژوهش می‌پردازد.
- ۳/۲۶۶۹ عبارت «فلسفه سیر و حرکت انسان است، به صورتی که جهانی شود عقلانی، درست مشابه و نظیر جهان عینی و خارجی» با بیت «هر آن کو ز دانش برد توشه‌ای / جهانی است بنشسته در گوشه‌ای» تناسب مفهومی دارد و اشاره به هدف مابعدالطبیعه دارد.

روابط و مناسبات زندگی هر روزی بگسلد و به سوی درک و دریافت حقیقت اشیاء و راز هستی برود. (۵) انسان را به گوهر و حقیقت وجود خویش نزدیک می‌کند. کتاب «دنیایی که من می‌بینم» اثر آلبرت اینشتاین است. (۳/۲۶۸۰)

برای عبور از فطرت اول به فطرت ثانی، نیاز به کنار گذاشتن امور و مسائل روزمره زندگی نیست. (۳/۲۶۸۱)

لازمه عبور از فطرت اول به فطرت ثانی این است که آدمی هر چند (۱/۲۶۸۲)

برای لحظاتی از قید عقل معاش فارغ شود و با پرسش‌هایی روبه‌رو گردد که پاسخ‌گویی به آن‌ها، به ظاهر سودی در بر ندارد و بنابر مصالح زندگی عادی مطرح نشده است. (۳/۲۶۹۱)

کتاب «شرح اصول کافی» اثر ملاصدرا است. منظور از «ماده و قوه» همانا استعداد برای تغییر و حرکت است. (۳/۲۶۹۲)

ویژگی‌های فرشتگان عبارتند از: (۱) موجودات کامل عاری از ماده و قوه هستند (۲) همگی مجردند و فعلیت تمام دارند و در نهایت کمال ممکن‌اند (۳) نمونه بارز خلقت و واسطه فیض آفرینش هستند. (۴/۲۶۹۳)

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان ذیل آیه ۵۴ سوره اعراف می‌فرماید: «آیات قرآن به شدت تمام، به تدبیر، تعمق و کوشش در معرفت خداوند و آیات الهی از طریق تذکر و تفکر عقلی دعوت می‌کند». (۲/۲۶۹۴)

طرح مباحث وجودشناسی در معارف الهی، هرگز ماهیت این مباحث را دگرگون نمی‌کند؛ یعنی هر چند این مباحث منشأ آسمانی دارند و حاصل اندیشه فیلسوفان نیستند اما محتوایی فلسفی دارند و مواضع نظری دین را درباره جهان هستی بیان می‌کنند. (۱/۲۶۹۵)

درباره یکی از فقهای چهارگانه اهل سنت نوشته‌اند: شخصی از او درباره آیه «الرحمن علی العرش استوی» سؤال کرد. او آن چنان خشناک شد که هرگز آن‌گونه دیده نشده بود و گفت: کیفیت، نامعلوم و استواء خداوند بر عرش، معلوم و اعتقاد به آن واجب و سؤال هم بدعت است. اهل حدیث در پاسخ کسانی که درباره این مسائل می‌پرسیده‌اند، جمله «الکیفیه مجهوله و السؤال عنه بدعة» را مطرح می‌کردند. درباره همین آیه و این‌که معنای عرش چیست و استواء بر عرش چه مفهومی دارد، مکرر از ائمه اطهار (ع) پرسش‌هایی شده است و آنان نه تنها به تعطیل تفکر امر نکرده‌اند بلکه پاسخ‌هایی در حد توان فکری پرسش‌کننده بیان نموده‌اند. (۲/۲۶۹۶)

خاستگاه فلسفه اسلامی را باید در متن و بطن خود اسلام جست‌وجو کرد نه در برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر. هدف وحی از طرح این مباحث فلسفی این بوده که نحوه‌ای نگرش نسبت به جهان هستی عرضه کند تا مسلمانان با تدبیر و تفکر و الهام گرفتن از آن، اندیشه و آگاهی خویش را تکامل بخشند و فرهنگ اسلامی را به اتکای این مبانی عمیق و استوار به رشد و بالندگی برسانند. (۴/۲۶۹۷)

طرح مباحث وجودشناسی در معارف الهی، هرگز ماهیت این مباحث را دگرگون نمی‌کند؛ یعنی هر چند این مباحث منشأ آسمانی دارند و حاصل اندیشه فیلسوفان نیستند اما محتوایی فلسفی دارند و مواضع نظری دین را درباره جهان هستی بیان می‌کنند. (۳/۲۶۹۸)

مطالعات دقیق فلسفی و عرفانی، حکما و عرفا را به این حقیقت رهنمون می‌شود که آیات سوره توحید و آیات اول سوره حدید، عالی‌ترین مرتبه توحید و معرفت هستند. معانی فلسفی در کتاب و سنت به بیان دینی و در قالب کلام خدا و پیشوایان دین ابراز شده است. فراوانی این تعابیر در معارف دینی، انسان را به تعمق و تدبیر در آن‌ها وادار می‌کند. (۲/۲۶۹۹)

کجا به کسوی طریقت گذر توانی کرد (۴/۲۶۸۳)

صدرالمآلهین (ملاصدرا)، فیلسوف بزرگ اسلامی، در کتاب مبدأ و معاد از ارسطو نقل می‌کند که طلب فلسفه در گرو عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است و بدون آن، فلسفه بی‌معنا و بی‌فایده به‌نظر می‌رسد. (۴/۲۶۸۳)

این بیت اشاره به این سخن صدرالمآلهین دارد که طلب فلسفه در گرو عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است و بدون آن، فلسفه بی‌معنا و بی‌فایده به‌نظر می‌رسد. (۲/۲۶۸۴)

لازمه عبور از فطرت اول به فطرت ثانی این است که آدمی هر چند برای لحظاتی از قید عقل معاش فارغ شود و با پرسش‌هایی روبه‌رو گردد که پاسخ‌گویی به آن‌ها، به ظاهر سودی ندارد و بنا بر مصالح زندگی عادی مطرح نشده است اما در حقیقت، ارزش آن‌ها به اندازه ارزش وجود آدمی است. این همان فطرت ثانی است که آدمی را به یکباره به حیرت و شگفتی دچار می‌کند و حساب سودها و زیان‌های مادی را به‌هم می‌ریزد. بشر ذاتاً متفکر است و تفکر همان فطرت ثانی است. (۳/۲۶۸۵)

متون اسلامی از یک طرف جهان‌شناسی به‌خصوصی را عرضه می‌کند که هم‌افق و سازگار با معرفت فلسفی است و از طرف دیگر بر «تفکر و اندیشه» در این معارف اصرار می‌ورزد و آن را از «واجبات شرعی» می‌شمارد. به این ترتیب، گرچه معارف دینی سرچشمه آسمانی دارند و از طریقی غیر از تفکر بشر به دست ما رسیده‌اند اما به ذات خود، مهبیای تبیین عقلانی و فلسفی هستند و برای توضیح و تفسیر آن‌ها می‌توان از مفاهیم فلسفی و زبان مابعدالطبیعه مدد گرفت. (۲/۲۶۸۶)

خاستگاه فلسفه اسلامی را باید در متن و بطن خود اسلام جست‌وجو کرد نه در برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر. اهل حدیث هرگونه بحث و تعمق و تجزیه و تحلیل عقلی را در مباحث مابعدالطبیعه دین جایز نمی‌دانستند. (۲/۲۶۸۷)

خاستگاه فلسفه اسلامی را باید در متن و بطن خود اسلام جست‌وجو کرد نه در برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر. اهل حدیث هرگونه بحث و تعمق و تجزیه و تحلیل عقلی را در مباحث مابعدالطبیعه دین جایز نمی‌دانستند. (۲/۲۶۸۷)

اهل حدیث که معلوماتشان در حدود نقل و روایت احادیث بود، هرگونه بحث و تعمق و تجزیه و تحلیل در این مسائل را ناروا می‌شمردند. درباره یکی از فقهای چهارگانه اهل سنت نوشته‌اند: شخصی از او درباره آیه «الرحمن علی العرش استوی» سؤال کرد. اهل حدیث در پاسخ کسانی که درباره این مسائل می‌پرسیده‌اند، جمله «الکیفیه مجهوله و السؤال عنه بدعة» را که ظاهراً جمله شایعی بوده، مطرح می‌کردند. (۲/۲۶۸۸)

اهل حدیث که معلوماتشان در حدود نقل و روایت احادیث بود، هرگونه بحث و تعمق و تجزیه و تحلیل در این مسائل را ناروا می‌شمردند. درباره یکی از فقهای چهارگانه اهل سنت نوشته‌اند: شخصی از او درباره آیه «الرحمن علی العرش استوی» سؤال کرد. اهل حدیث در پاسخ کسانی که درباره این مسائل می‌پرسیده‌اند، جمله «الکیفیه مجهوله و السؤال عنه بدعة» را که ظاهراً

خاستگاه فلسفه اسلامی را باید در متن و بطن خود اسلام جست‌وجو کرد نه در برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر. (۲/۲۶۸۷)

اهل حدیث که معلوماتشان در حدود نقل و روایت احادیث بود، هرگونه بحث و تعمق و تجزیه و تحلیل در این مسائل را ناروا می‌شمردند. درباره یکی از فقهای چهارگانه اهل سنت نوشته‌اند: شخصی از او درباره آیه «الرحمن علی العرش استوی» سؤال کرد. اهل حدیث در پاسخ کسانی که درباره این مسائل می‌پرسیده‌اند، جمله «الکیفیه مجهوله و السؤال عنه بدعة» را که ظاهراً

اهل حدیث که معلوماتشان در حدود نقل و روایت احادیث بود، هرگونه بحث و تعمق و تجزیه و تحلیل در این مسائل را ناروا می‌شمردند. درباره یکی از فقهای چهارگانه اهل سنت نوشته‌اند: شخصی از او درباره آیه «الرحمن علی العرش استوی» سؤال کرد. اهل حدیث در پاسخ کسانی که درباره این مسائل می‌پرسیده‌اند، جمله «الکیفیه مجهوله و السؤال عنه بدعة» را که ظاهراً جمله شایعی بوده، مطرح می‌کردند. (۲/۲۶۸۸)



۲۷۰۰/۲ در میان عامه (مسلمانان اهل سنت) دو جبهه مختلف در قبال مسائل مابعدالطبیعی پدید آمد: یکی جبهه نفی و تعطیل که پیشروان آن گروهی به نام «اهل حدیث» بودند. آن‌ها معلوماتشان در حدود نقل روایات و احادیث بود و هرگونه بحث و تعمق و تجزیه و تحلیل را در این مسائل ناروا می‌شمردند اما جبهه دیگر که معتزله پرچم‌دار آن بودند، بحث عقلی را در مباحث مابعدالطبیعه دین جایز می‌دانستند و به آن اهتمام می‌ورزیدند.

۲۷۰۱/۱ طرح مباحث وجودشناسی در معارف الهی، هرگز ماهیت این مباحث را دگرگون نمی‌کند؛ یعنی هر چند این مباحث منشأ آسمانی دارند و حاصل اندیشه فیلسوفان نیستند اما محتوایی فلسفی دارند و مواضع نظری دین را درباره جهان هستی بیان می‌کنند.

۲۷۰۲/۲ این اصول که نقطه اتکای علوم تجربی هستند و در علوم پذیرفته شده و مفروض واقع می‌شوند، اصولی فلسفی هستند که فلسفه عهده‌دار تحقیق در آن‌ها است.

۲۷۰۳/۳ فلسفه اولی (مابعدالطبیعه یا هستی‌شناسی) سراسر هستی را عرصه مطالعه خود قرار می‌دهد تا به تبیین عقلانی احکام آن بپردازد.

۲۷۰۴/۱ فلسفه به تحکیم مبانی خاص علوم انسانی و عام علوم تجربی می‌پردازد (حذف گزینه‌های ۲ و ۳).

۲۷۰۵/۳ پرسش درباره چیستی و معانی زندگی بشر و حیات اجتماعی در فطرت اول مطرح نمی‌شود و در فطرت ثانی مطرح می‌شود (حذف گزینه‌های ۱ و ۴).

۲۷۰۶/۲ بی‌معنا و واهی می‌شمارد ❖ بدبخت و فاقد صلاحیت زندگی است.

۲۷۰۷/۴ فلسفه برای کسی که در فطرت اول است بی‌فایده به نظر می‌رسد. مابعدالطبیعه علم هستی‌شناسی است، پس چیزها را از این حیث که مصادیق هستی‌اند، بررسی می‌کند.

۲۷۰۸/۴ فلسفه، هم مبانی علوم را تحکیم می‌کند و هم درباره اعتبار و ارزش روش تجربی در شناخت طبیعت سخن می‌گوید و حدود توانایی روش تجربی را تعیین می‌نماید.

۲۷۱۰/۱ مباحث وجود در فلسفه به قصد شناخت کل جهان هستی است. فیلسوف می‌خواهد تصویری جامع و صحیح از جهان هستی به دست آورد.

۲۷۱۱/۳ چون در گزینه ۳ هم بیان مطلب مابعدالطبیعی با زبان مختلف و هم مابعدالطبیعی و فلسفی باقی ماندنشان آمده، کامل‌تر است. پاراگراف‌هایی که در کتاب ناظر به این بیت است دو مطلب را می‌گویند: (۱) اختلاف تعابیر در بیان مطالب مابعدالطبیعی (۲) رد نکردن ماهیت فلسفی با اختلاف تعابیر

۲۷۱۲/۴ این حدیث جنبه مشترک دعوت به تفکر را نشان می‌دهد (حذف گزینه‌های ۱ و ۲)، استعدادهای فکری و نیروی خلاقیت آن‌ها به برکت کتاب و سنت (آیات و احادیث) در اوج شکوفایی بود (حذف گزینه ۳).

۲۷۱۳/۳ معتزله بحث عقلی در مسائل مابعدالطبیعه دین را جایز می‌دانستند و به آن اهتمام می‌ورزیدند و اهل حدیث برعکس آن‌ها (حذف گزینه‌های ۱ و ۴). علامه طباطبایی به روش اهل حدیث انتقاد می‌کند که پاسخ معروفشان «الکیفیه مجهوله و السؤال عنه بدعه» بود و ایشان این روش را مخالف عقل و دین می‌دانند.

۲۷۱۴/۲ فلسفه علم هستی‌شناسی است و به این اعتبار به آن مابعدالطبیعه می‌گویند.

ماوراءالطبیعه مرتبه و بخشی از هستی است، پس در قلمرو مابعدالطبیعه که سراسر هستی است و شامل طبیعت و ماوراءالطبیعه می‌شود می‌گنجد.

۲۷۱۵/۴ این دو بیت از فطرت اول و ثانی سخن می‌گویند. گزینه‌های ۱ و ۲ تنها به فطرت ثانی پرداخته‌اند، لذا نمی‌توانند مفهوم ابیات را به صورت کامل بیان کنند. گزینه ۳ ظاهراً درست است، اما در فطرت ثانی تنها کوشش برای رسیدن به راز هستی اتفاق می‌افتد نه کاملاً آشکار شدن راز هستی.

اما گزینه ۴ مفهوم دو بیت را کاملاً می‌رساند. بیت نخست به فطرت اول اشاره دارد که مربوط به عوام است. بیت دوم به فطرت ثانی اشاره دارد که مخصوص خواص است و عوام از آن بهره‌ای ندارند.

۲۷۱۶/۱ علامه طباطبایی معتقد است با توجه به این‌که قرآن انسان را دائماً به تفکر و تعقل دعوت می‌کند، اگر بگوییم خدا نمی‌خواهد ما در حقایق سخن وحی تأمل و تعقل کنیم، مستلزم نوعی ناسازگاری و تناقض در کلام خدا است.

۲۷۱۷/۲ جمله مشهور «الکیفیه مجهوله و السؤال عنه بدعه» پاسخ اهل حدیث به پرسشکنندگان بود.

۲۷۱۸/۱ برای ورود به دانش مابعدالطبیعه باید معانی اصطلاحات آن را با معانی عرفی آن‌ها درنیماییم.

۲۷۱۹/۴ مابعدالطبیعه به مطالعه چهره ظاهری موجودات نمی‌پردازد.

۲۷۲۰/۴ کار فیلسوف شبیه خواننده کتاب است که از ورای ظواهر می‌خواهد به معنا (هستی) برسد.

۲۷۲۱/۲ «موجودات کاملی هستند عاری از ماده و قوه، زیرا جملگی مجردند و فعلیت تمام دارند و در نهایت کمال ممکن‌اند و...».

۲۷۲۲/۴ فلسفه اسلامی، فلسفه‌ای است که محتوای اصلی و ستون فقرات آن را دیدگاه‌های ژرف کتاب و سنت نسبت به جهان هستی تشکیل می‌دهند و شکل و صورت و چگونگی تبیین و استدلال در آن به شیوه فلاسفه است.

۲۷۲۳/۴ آدمی در اغلب اوقات متوجه فطرت اول است.

۲۷۲۴/۳ فلسفه در جست‌وجوی احکام و قواعد هستی اشیا است.

۲۷۲۵/۲ نسبت بین احکام وجود با احکام و قوانین عالم ماده، عام و خاص مطلق است به خاص بودن عالم ماده، که نشان می‌دهد وجود هر موجودی اعم از مادی و غیر مادی در مابعدالطبیعه بررسی می‌شود.

۲۷۰۰/۲ در میان عامه (مسلمانان اهل سنت) دو جبهه مختلف در قبال مسائل مابعدالطبیعی پدید آمد: یکی جبهه نفی و تعطیل که پیشروان آن گروهی به نام «اهل حدیث» بودند. آن‌ها معلوماتشان در حدود نقل روایات و احادیث بود و هرگونه بحث و تعمق و تجزیه و تحلیل را در این مسائل ناروا می‌شمردند اما جبهه دیگر که معتزله پرچم‌دار آن بودند، بحث عقلی را در مباحث مابعدالطبیعه دین جایز می‌دانستند و به آن اهتمام می‌ورزیدند.

۲۷۰۱/۱ طرح مباحث وجودشناسی در معارف الهی، هرگز ماهیت این مباحث را دگرگون نمی‌کند؛ یعنی هر چند این مباحث منشأ آسمانی دارند و حاصل اندیشه فیلسوفان نیستند اما محتوایی فلسفی دارند و مواضع نظری دین را درباره جهان هستی بیان می‌کنند.

۲۷۰۲/۲ این اصول که نقطه اتکای علوم تجربی هستند و در علوم پذیرفته شده و مفروض واقع می‌شوند، اصولی فلسفی هستند که فلسفه عهده‌دار تحقیق در آن‌ها است.

۲۷۰۳/۳ فلسفه اولی (مابعدالطبیعه یا هستی‌شناسی) سراسر هستی را عرصه مطالعه خود قرار می‌دهد تا به تبیین عقلانی احکام آن بپردازد.

۲۷۰۴/۱ فلسفه به تحکیم مبانی خاص علوم انسانی و عام علوم تجربی می‌پردازد (حذف گزینه‌های ۲ و ۳).

در علوم انسانی، متفکران بسته به بینش فلسفی خاصی که نسبت به انسان دارند (نه جهان) عقاید متفاوتی پیدا می‌کنند (حذف گزینه ۴).

۲۷۰۵/۳ پرسش درباره چیستی و معانی زندگی بشر و حیات اجتماعی در فطرت اول مطرح نمی‌شود و در فطرت ثانی مطرح می‌شود (حذف گزینه‌های ۱ و ۴).

از نظر اینشتاین: کسی که آن‌ها را عقلانی نداند ❖ زندگی خود و دیگران را بی‌معنا و واهی می‌شمارد ❖ بدبخت و فاقد صلاحیت زندگی است.

۲۷۰۶/۲ رد سایر گزینه‌ها

(۱) چهره خاص کار فلسفه نیست.

(۳) اصطلاحات علمی متعلق به فلسفه نیستند.

(۴) روش تجربی در حوزه فلسفه نیست.

۲۷۰۷/۴ فلسفه برای کسی که در فطرت اول است بی‌فایده به نظر می‌رسد.

۲۷۰۸/۴ مابعدالطبیعه علم هستی‌شناسی است، پس چیزها را از این حیث که مصادیق هستی‌اند، بررسی می‌کند.

۲۷۰۹/۴ فلسفه، هم مبانی علوم را تحکیم می‌کند و هم درباره اعتبار و ارزش روش تجربی در شناخت طبیعت سخن می‌گوید و حدود توانایی روش تجربی را تعیین می‌نماید.

۲۷۱۰/۱ مباحث وجود در فلسفه به قصد شناخت کل جهان هستی است. فیلسوف می‌خواهد تصویری جامع و صحیح از جهان هستی به دست آورد.

۲۷۱۱/۳ چون در گزینه ۳ هم بیان مطلب مابعدالطبیعی با زبان مختلف و هم مابعدالطبیعی و فلسفی باقی ماندنشان آمده، کامل‌تر است. پاراگراف‌هایی که در کتاب ناظر به این بیت است دو مطلب را می‌گویند: (۱) اختلاف تعابیر در بیان مطالب مابعدالطبیعی (۲) رد نکردن ماهیت فلسفی با اختلاف تعابیر

زبان دین و وحی بیان شده‌اند، اما برای توضیح و تفسیر آن‌ها می‌توان از مفاهیم فلسفی و زبان مابعدالطبیعه مدد گرفت.

قسمت اول گزینه‌های ۱ و ۴ درست است. **۴\۲۷۴۰**

قسمت دوم گزینه‌های ۳ و ۴ درست است.

مطالعات دقیق فلسفی و عرفانی، حکما و عرفا را به این حقیقت رهنمون می‌کند که آیات سوره توحید و آیات اول سوره حدید، عالی‌ترین مرتبه توحید و معرفت هستند.

لازمه عبور از فطرت اول این است که آدمی هرچند برای لحظاتی از قید عقل معاش فارغ شود. **۴\۲۷۴۲**

هر دو بیت اشاره به علت موحده (محدثه) و مقبیه بودن خداوند دارند. **۴\۲۷۴۳**

حضرت علی (ع) درباره موجودات برتر از عالم طبیعت که واسطه بین خداوند و عالم طبیعت‌اند، یعنی فرشتگان و ملائک، می‌فرماید:

«موجودات کاملی هستند عاری از ماده و قوه، زیرا جملگی مجردند و فعلیت تمام دارند (نظریه علت‌های چهارگانه) و در نهایت کمال ممکن‌اند،

نورانی شدند و فیوضاتش را بر آن‌ها اضافه نموده، (جغرافیای عرفانی سهروردی) به کمال ممکن رسیدند و در نتیجه، نمونه بارز خلقت و واسطه فیض آفرینش (سلسله مراتب آفرینش) شدند.»

به اعتقاد ارسطو طلب فلسفه در گروه عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است. **۲\۲۷۴۵**

فطرت اول: عقل معاش، حجاب عادت، توکز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون

فطرت دوم: تفکر، حیرت و شگفتی، کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد

مابعدالطبیعه وجود اشیا را به کمک تبیین عقلانی، یعنی به روش تعقلی می‌شناسد و با قدم عقل و برهان عقلی به پیش می‌رود. **۱\۲۷۴۶**

در کتاب و سنت (آیات و روایات) معانی و موضوعات فلسفی به زبان دین و در قالب کلام خدا و پیشوایان دین ابراز شده است و این معانی در قالب اصطلاحات فلاسفه مطرح نشده است. **۱\۲۷۴۸**

نوفلاطونیان پیروان افلوطین بودند. مؤسس بیت‌الحکمه یا خزانه‌الحکمه هارون‌الرشید بود که به توصیه یحیی برمکی به منظور ترویج علوم جندی شاپور آن را تأسیس نمود. **۳\۲۷۴۹**

خلافت خاندان «بنی‌عباس» دو واقعه مهم را به دنبال داشت:

۱) ایرانیان به دستگاه خلافت راه یافتند. ۲) بغداد مرکز خلافت اسلامی قرار گرفت. این هر دو واقعه، در تحول فرهنگی و نهضت ترجمه کتب علمی و فلسفی، مؤثر افتاد.

پس از استقرار دولت عباسی در بغداد، به دلیل نزدیکی این محل با خوزستان، رجال سیاسی بغداد با جندی شاپور آشنا شدند و به اهمیت علمی آن پی بردند. پس از جندی، آنان مقدمات حضور استادان جندی شاپور را در بغداد فراهم کردند. علاوه بر این (انتقال میراث تفکر یونانی از جندی‌شاپور به بغداد) میراث تفکر یونانی از طریق حوزه اسکندریه به انطاکیه و سپس به حزان منتقل شد. استادان فلسفه حزان در عهد خلافت معتضد عباسی از حزان به بغداد منتقل شدند.

مابعدالطبیعه از یک سلسله مسائل درباره مطلق وجود - یعنی وجود بدون هیچ قید و شرط - سخن می‌گوید و احکام و عوارض آن را بررسی می‌نماید.

قسمت اول گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ درست است. **۲\۲۷۴۶**

قسمت دوم گزینه‌های ۲ و ۴ درست است.

صدرالمآلهین فیلسوف بزرگ اسلامی، در کتاب مبدأ و معاد از ارسطو نقل می‌کند که «طلب فلسفه در گروه عبور از فطرت اول به فطرت ثانی است و بدون آن، فلسفه بی‌معنا و بی‌فایده به‌نظر می‌رسد.»

خاستگاه فلسفه اسلامی و بنیان‌های اصلی آن را باید در متن و بطن خود اسلام جستجو کرد نه در برخورد تاریخی اسلام با فلسفه‌های دیگر. اندیشمندان اسلامی از طریق ترجمه آثار فلسفی، نظام نوینی را سامان بخشیدند که این نظام فلسفی ضمن برخورداری از آرای افلاطون و به خصوص ارسطو، اندیشه‌های جدیدی را نیز دربرداشت که سبب گسترش هر یک از نظام‌های فلسفی گذشته گردید.

گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ به معتزله اشاره دارد. **۴\۲۷۴۹**

گروهی از متکلمین اسلامی که بحث عقلی در آیات و روایات را ناروا می‌دانند، اهل حدیث و اشاعره‌اند که از نظر این دو گروه در مورد آیه (الرحمن علی العرش استواء) کیفیت استواء نامعلوم و خود استواء خداوند بر عرش معلوم است. **۳\۲۷۳۰**

هم محتوای فلسفی کتاب و سنت و هم تأکید و اصرار بر تفکر در آنها نیروی خلاقیت و استعداد‌های فکری نوابغی مانند فارابی و ابن‌سینا به اوج شکوفایی رسانده بود. **۲\۲۷۳۱**

جهان‌شناسی (نه جهان‌بینی) عرضه‌شده از سوی اسلام با معرفت فلسفی هم‌افق و سازگار است نه برعکس چون در این سؤال آیه ۵ سوره طه که کلام خواننده و عرضه‌شده در دین اسلام، ملاک قرار گرفته است. **۱\۲۷۳۲**

متون اسلامی تفکر در آیات مابعدالطبیعه (فلسفی) را واجب شرعی می‌دانند.

آغاز فلسفه یا طلب فلسفه در گروه عبور از فطرت اول به فطرت ثانی (دچار حیرت و شگفتی شدن) است و برای ورود به دانش مابعدالطبیعه ابتدا باید با اصطلاحات فلسفی آشنا شویم و مفاهیم آن‌ها را با معانی عرفی‌شان درنیامیزیم. **۲\۲۷۳۳**

شکل و چگونگی استدلال در فلسفه اسلامی به شیوه فلاسفه است و پس از ارتباط تاریخی با یونانیان میسر شد و محتوای اصلی و ستون فقرات فلسفه اسلامی دیدگاه‌های ژرف کتاب و سنت نسبت به جهان هستی است. **۴\۲۷۳۴**

مقصود فلاسفه از فطرت اول همان حالت عادی ما در برخورد و تماس با امور و مسائل زندگی هر روزه است. **۲\۲۷۳۵**

مسائلی که درباره وجود هستند با هر زبانی و توسط هر کسی مطرح شوند به حوزه فلسفه تعلق دارند. **۳\۲۷۳۶**

توجه به حیرت فلسفی مستلزم رسیدن و کشف راز هستی نیست. **۱\۲۷۳۷**

تفکر همان فطرت ثانی است. **۱\۲۷۳۸**

گرچه معارف دینی سرچشمه‌ای آسمانی دارند یعنی از متن و بطن خود اسلام برخاسته‌اند و از طریقی غیر از تفکر بشر به دست ما رسیده‌اند و به